



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

✍ **علامه مجلسی** رحمته : شیعیان بر اسلام حضرت ابوطالب علیه السلام و این که ایشان در ابتدای امر به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورده و هرگز بتی نپرستیده است ، اجماع و اتفاق نظر دارند ، بلکه ایشان از اوصیاء حضرت ابراهیم علیه السلام می باشد و اسلام ابوطالب علیه السلام در مذهب شیعه به اندازه ای مشهور است که حتی همه مخالفین ، این عقیده را به شیعه نسبت می دهند و روایات از سنی و شیعه در این زمینه متواتر است<sup>۱</sup>.

و بسیاری از علماء و محدثین ما درباره اسلام حضرت ابوطالب علیه السلام کتاب جداگانه نوشته اند همچنان که بر کسی که در کتب رجال تفحص نماید این مطلب مخفی نیست<sup>۲</sup>.

### دشمنی مغیره لعنه الله

احادیثی که علیه حضرت ابوطالب علیه السلام با عناوینی چون ضحَضاح<sup>۳</sup> و مشابه آن آمده است ، از روایات اهل ضلال و جعلیات بنی امیه و پیروانشان می باشد و سند تمامی حدیث های ضحَضاح به مغیره بن شعبه ( لعنه الله ) می رسد که فردی بخیل نسبت به بنی هاشم و

۱. در حضرت ابوطالب علیه السلام جلد اول ، برخی از این روایات ذکر گردیده است .

۲. و قد أجمعت الشيعة على إسلامه و أنه قد آمن بالنبي صلی الله علیه و آله في أول الأمر ، ولم يعبد صنماً قطّ ، بل كان من أوصياء إبراهيم علیه السلام واشتهر إسلامه من مذهب الشيعة حتى أن المخالفين كلهم نسبوا ذلك اليهم و تواترت الأخبار من طرق الخاصة و العامة في ذلك و صنف كثير من علمائنا و محدثينا كتاباً مفرداً في ذلك كما لا يخفى على من تتبّع كتب الرجال . بحار الانوار ج ۳۵ ص ۱۳۸ و ۱۳۹

۳. پیرامون احادیث ضحَضاح و بررسی اسناد آن می توانید به کتاب ابوطالب مؤمن قریش ص ۳۷۷ تا ۴۰۳ مراجعه نمایید .



معروف به دشمنی با آنان می‌باشد و روایت شده که روزی ، بعد از این که شراب خورده و مست شده بود ، به او گفته شد : نظرت درباره امامت بنی‌هاشم چیست ؟ گفت : قسم به خدا هرگز خیری ، برای هیچ فرد هاشمی نمی‌خواهم . و علاوه بر دشمنی او با بنی‌هاشم ، مغیره مردی فاسق است که داستان ارتکاب عمل زنا و در شهر بصره ، و پادرمیانی عمر ، در جاری نشدن حدّ زنا بر او نیز مشهور است و البته دلایل دیگری نیز برای باطل بودن این گونه روایات وجود دارد . . .<sup>۴</sup>

### ابن عربی و دشمنی او

ابن عربی<sup>۵</sup> با پیروی و تبعیت از عقاید اهل سنت درباره حضرت ابوطالب علیه السلام ، و تعصّب مذهبی که دارد پدر امیرالمؤمنین علیه السلام را مشرک و کافر دانسته و با استناد به روایات جعلی مخالفین شیعه ، ایشان را اهل جهنّم می‌داند ، در حالی که این شخصیت منحرف با تخیلات خود فرعون ( لعنه الله ) را در هنگام غرق شدن طاهر و مطهرّ می‌داند و . . .

### عبارات ابن عربی درباره ابوطالب علیه السلام

عبارت اول : برخی معتقدند که غسل میت موجب نظافت و پاکیزگی است لذا

<sup>۴</sup> . برگرفته از بحارالانوار ج ۳۵ ص ۱۱۲ و ایمان ابی طالب ص ۸۷ تا ۱۰۳ .

<sup>۵</sup> . ابن عربی یکی از بزرگ‌ترین سران تصوّف ( عرفان مصطلح ) می‌باشد و از عرفان بافانی است که عقاید انحرافی بسیار دارد . برای آشنایی با این شخصیت و برخی از افکار او می‌توانید به کتب ذیل مراجعه نمایید :

✓ دآوری‌های متضاد درباره ابن عربی تألیف : داوود الهامی . ✓ ابن عربی از نگاهی دیگر تألیف : سید محسن طیب نیا . ✓ دیدگاه محیی‌الدین درباره خلفا تألیف : سیدعلی‌رضا حسینی . ✓ ابن عربی سنی متعصب تألیف سیدجعفر مرتضی عاملی . ✓ پیام دین ( حضرت ابوطالب علیه السلام ، اشک ، احکام قرآن ) .



می گویند : مشرک را نیز باید غسل داد ، و پیامبر ص دستور داد ابوطالب عمویش را غسل دهند با این که او مشرک بود<sup>۶</sup>.

عبارت ۲۵۹ : مسلم بن حجّاج از ابن عباس حدیث صحیحی<sup>۷</sup> از پیامبر نقل می نماید که : در بین اهل جهنّم عذاب ابوطالب از بقیه کمتر است و همانا کفش هایی به پایش است که شدت حرارت آن مغزش را به جوش می آورد . . . سپس ابن عربی در ادامه می گوید : پس بنگر که ابوطالب چگونه در محبت به پیامبر و قبول امرش راستین بود در حالی که ترس از مردم و امید به آنان در دلش پدید آمد ؟ و حقیقت این بیم و امید به مردم بعد از مرگش به صورت دو کفش آتشین آشکار گردید . . . اما حکمت و دلیل این که حرارت این دو کفش مغز او را به جوش می آورد این است که : در روایت صحیح این چنین آمده است که : آیا شما را به رأس و ستون و رفیع ترین مراتب امر در دین با خیرتان نسازم ؟ آن جهاد در راه خداست . . . و از مسائل معلوم و روشن این است که جهاد و دفاع ابوطالب از رسول خدا از دیگران بیشتر بوده است ولی با این وجود ، ابوطالب به خاطر ترس از بدگویی و ناسزای دیگران نسبت به خودش ، دین پیامبر را قبول نکرد ، بنابراین ترس ابوطالب از غیر خدا ، سبب از بین رفتن و فاسد شدن جهادش گردید . و این چنین است که حقیقت ترس ابوطالب از غیر خدا که همان کفش آتشین

<sup>۶</sup> . و من رأى أنّ غسل الميت تنظیف قال : يغسل المشرك و أمر النبي ص بغسل عمّه أبي طالب و هو مشرك .



است ، سبب ذوب نمودن مغزش می گردد و آن کفش سر ابوطالب را ملتهب می نماید و .

...

### بیان یک نکته

برخی اهتمام دارند ابن عربی را شیعه اسمی نمایند . وقتی مزخرفات و تهمت‌های او علیه شیعه را مطرح می‌نماییم می‌گویند : تقیّه می‌کرده است . این در حالی است که به اعتقاد خود ابن عربی ، این ترس از غیر خدا و تقیّه او ، سبب از بین رفتن زحمات افسانه‌ای او گردیده است و حقیقت این ترس ، دو کفش آتشین شده و در جهنّم مغز سر ابن عربی را ذوب کرده و حرارت آن سرش را ملتهب می‌نماید و اگر هم تقیّه نمی‌کرده و از مردم نمی‌ترسیده است ، به خاطر تهمت ناروای او به حضرت ابوطالب پدر امیرالمؤمنین علیه السلام ، شهیق و زفیر او در جهنّم بلند است . . .

### تفسیر به رأی ابن عربی

عبارت سورۃ ۴۰ : چنان که خداوند در حقّ اکمل رسل و أعلم خلق و أصدقشان در حال ،

<sup>۸</sup> . و ذکر حدیث صحیح مسلم بن الحجاج عن العباس عن النبی ص : أهون أهل النار عذاباً أبوطالب ، و إن فی قدمیه لنعلین یغلی منهما دماغه . . . ثم عقب ذلك بقوله : فانظر كيف كان له قدم صدق في محبته و قبول أمره ، و لكنه انتقل فيه الخوف من الخلق ، والرجاء لهم ، فظهرت حقيقته له بعد الموت بنعلين من النار . . . و أما الحكمة في كونهما يغلي منهما دماغه ، فلأن في الصحيح : ألا أخبركم برأس الأمر و عموده و ذرورة سنامه ؟ الجهاد في سبيل الله . . . و من المعلوم : أن أباطالب كان أشدّ الناس جهاداً عن رسول الله ص و لكنّه لم يتدين بدينه ، خشية من السبّة ، فكان خوفه لغير الله سبباً لإحباط جهاده و إفساده و هكذا تكون حقيقة خوفه لغير الله و هي نعله في النار سبباً لإذابة دماغه و هو لهب رأسه . . .



فرمود: **إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ**<sup>۹</sup> و اگر برای همت اثری بود کسی اکمل از رسول الله و اعلی و اقوی همت تر از او نبود و حال این که همت او ، در اسلام ابوطالب عموی او اثر نکرد و درباره اسلام ابوطالب آیه فوق نازل شد<sup>۱۰</sup>.

### شأن نزول إِنْكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ

این آیه در جنگ حنین<sup>۱۱</sup> نازل گردیده است ، و جنگ حنین سه سال بعد از هجرت رسول خدا ﷺ واقع شده و هجرت پیامبر ﷺ ، سه سال و چهار ماه بعد از وفات ابوطالب ﷺ بوده است<sup>۱۲، ۱۳</sup>.

چگونه این آیه درباره حضرت ابوطالب ﷺ نازل شده در حالی که این سوره در مدینه نازل شده و ابوطالب ﷺ در ابتدای اسلام ، آن زمان که پیامبر ﷺ در مکه تشریف داشتند ، از دنیا رفته است<sup>۱۴</sup>.

علامه مولی محمد طاهر قمی رحمته الله علیه : . . . ای اهل عقل و بصیرت ، بنگرید که این ضالّ مزلّ ، از برای فریب عوام چه قسم دعوای<sup>۱۵</sup> باطل می نموده و ابلهان بی بصیرت را به

<sup>۹</sup> . قصص ۵۶ : ای رسول ما تو نمی توانی هر که را دوست داری هدایت کنی ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند . . .

<sup>۱۰</sup> . كما قال في حق أكمل الرسل و أعلم الخلق و أصدقهم في الحال ، إنك لا تهدي من أحببت و لكن الله يهدي من يشاء و لو كان للهمة اثر و لا بدّ ، لم يكن أحد أكمل من رسول الله و لأعلى و لأقوى همة منه ، و ما أثرت في إسلام أبي طالب عمّه ، و فيه نزلت الآية التي ذكرناها . . .  
فصوص با شرح جامی فص لوطی ص ۳۰۵ و ۳۰۶

<sup>۱۱</sup> . و یا به قولی دیگر ، در جنگ أحد .

<sup>۱۲</sup> . بنابراین ، آیه إنك لا تهدي . . . شش سال و چهار ماه بعد از رحلت ابوطالب ﷺ نازل شده است .

<sup>۱۳</sup> . برگرفته از کتاب ایمان ابوطالب ﷺ فصل ۲ ص ۱۵۴ تا ۱۵۸ .

<sup>۱۴</sup> . بحار الانوار ج ۳۵ ص ۱۵۱ و ۱۵۲ به نقل از سید رضی رحمته الله علیه .

<sup>۱۵</sup> . ادعاهای



دام خود می انداخته اند و در کتاب فصوص گفته که ابوطالب کافر بود ، و نفهمیده که آن حضرت از ارکان دین و أعظم<sup>۱۶</sup> مؤمنین و ناصر خاتم النبیین بوده ...<sup>۱۷</sup>

### دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی

مهم ترین دلیلی که در این زمینه ( شرک حضرت ابوطالب علیه السلام ) اقامه کرده اند ادّعیای اجماع مسلمین است که : ابوطالب مشرک از دنیا رفته است ! در حالی که چنین اجماعی دروغ محض است . چنان که مفسّر معروف اهل سنت آلوسی در روح المعانی تصریح کرده است که این مسأله اجماعی نیست و حکایت اجماع مسلمین یا مفسّرین بر این که آیه فوق درباره ابوطالب نازل شده صحیح به نظر نمی رسد ، چرا که علماء شیعه و بسیاری از مفسّرین آنان معتقد به اسلام ابوطالب علیه السلام هستند<sup>۱۸</sup> و ادّعیای اجماع ، ائمه اهل بیت علیهم السلام بر این معنا کرده اند ، به علاوه اکثر قصیده های ابوطالب شهادت بر این معنا می دهد . . . . دقّت و بررسی نشان می دهد که این ادّعیای اجماع از اخبار آحادی سرچشمه می گیرد که هیچ اعتباری به آن نیست و در سند این روایات افراد مشکوک یا کذّابی هستند .

از جمله ، روایتی است که ابن مردویه با سند خودش از ابن عباس نقل کرده که آیه إنّک لاتهدی من أحببت درباره ابوطالب علیه السلام نازل شده است . پیامبر صلی الله علیه و آله به او اصرار کرد اسلام

<sup>۱۶</sup> . أعظم : بزرگان ، بزرگ تران - ناصر : یاور .

<sup>۱۷</sup> . تحفة الأخیار ص ۳۱۹ .

<sup>۱۸</sup> . بلکه برخی از علماء اهل سنت نیز معتقد به اسلام و ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام می باشند که در ابوطالب علیه السلام ج ۴ بررسی می گردد در

نتیجه ، ادّعیای این چنین اجماعی ، بی پایه و اساس است .



بیاورد او نپذیرفت<sup>۱۹</sup>! در حالی که در سند این روایت ابوسهل سرّی است که بنا به تصریح بعضی از بزرگان علم رجال، او یکی از دروغ پردازان و جعل کنندگان و سارقان حدیث است. و همچنین عبدالقدّوس ابوسعید دمشقی که باز در سند این حدیث است، او نیز از کذّابین است<sup>۲۰</sup>.

ظاهر تعبیر حدیث چنین گواهی می‌دهد که ابن عباس بدون واسطه این حدیث را نقل کرده و خودش شاهد و ناظر بوده در حالی که می‌دانیم ابن عباس سه سال قبل از هجرت متولّد شده است، بنابراین هنگام وفات ابوطالب علیه السلام هنوز از پستان مادر شیر می‌خورده است<sup>۲۱</sup> و این نشان می‌دهد که جاعلان حدیث در کار خود ناشی بوده‌اند.

حدیث دیگری در این زمینه از ابوهریره نقل کرده‌اند، او می‌گوید: هنگامی که وفات ابوطالب فرا رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: ای عمو بگو لا اله الا الله تا من روز قیامت نزد خدا برای تو گواهی به توحید دهم. ابوطالب گفت: اگر نه به خاطر این بود که قریش مرا سرزنش می‌کرد که او به هنگام مرگ از روی ترس، اظهار ایمان نمود من شهادت به توحید می‌دادم و چشم تو را روشن می‌ساختم، در این هنگام آیه إنک لاتهدی من أحببت نازل شد! باز ظاهر حدیث این است که ابوهریره شخصاً شاهد چنین مطلبی

<sup>۱۹</sup>. ما أخرج ابن مردويه و غيره من طريق أبي سهل السري بن سهل باسناد عن عبد القدوس عن أبي صالح عن ابن عباس قال: نزلت إنك

لاتهدى من أحببت... في أبي طالب، ألح عليه النبي ص أن يسلم فأبى فانزل الله إنك لاتهدى... الغدير ج ۸ ص ۲۰

<sup>۲۰</sup>. درباره این دو شخص و جاعلان این حدیث می‌توانید به کتاب ابوطالب مؤمن قریش نظرة فی آية إنك لاتهدى من أحببت ص ۳۶۲ تا

۳۶۵ مراجعه نمایید.

<sup>۲۱</sup>. و یا بعد از رحلت ابوطالب علیه السلام به دنیا آمده است.



بوده است در حالی که می‌دانیم ابوهریره در سال فتح خیبر یعنی هفت سال بعد از هجرت ، اظهار اسلام کرد ، او کجا و وفات ابوطالب علیه السلام که قبل از هجرت واقع شد کجا ! بنابراین آثار جعل ناشیانه در این حدیث نیز نمایان است .

و اگر گفته شود ابن عباس و ابوهریره خود شاهد این ماجرا نبوده‌اند و این داستان را از دیگری شنیده‌اند سؤال می‌کنیم از چه کسی ؟ شخصی که این روایت را برای این دو نفر بیان کرده ناشناس و مجهول است و چنین حدیثی را مرسل می‌نامند و همه می‌دانند که اعتباری به احادیث مرسل نیست <sup>۲۲</sup> .

### اقرار اول <sup>۲۳</sup>

❖ آقای حسن زاده آملی : شیخ ( ابن عربی ) در این مطلب <sup>۲۴</sup> از عقیده رایج در اهل سنت تبعیت نموده که ناشی از جعلیات و تبلیغات بنی‌امیه است و از جمله در شأن نزول این آیه ، درحالی که افعال و اقوال و اشعار و فداکاری‌های فوق تصور حضرت ابوطالب علیه السلام گواه صادقی است بر این که آن بزرگوار از ابتدا به اسلام و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورده بود ولی برای حمایت بهتر از پیامبر صلی الله علیه و آله از اظهار علنی آن خودداری نمود و ائمه علیهم السلام نیز بر این مطلب تصریح دارند و ایمان آن بزرگوار را در بالاترین درجات می‌دانند . در این مورد به کتاب ایمان ابوطالب علیه السلام ترجمه بخشی از الغدير علامه امینی و سیرة المصطفى

<sup>۲۲</sup> . تفسیر نمونه ج ۱۶ ذیل آیه ۵۶ قصص ص ۱۲۲ و ۱۲۳ .

<sup>۲۳</sup> . دومین اقرار در پاورقی عنوان ابن عربی و نفی غدیر می‌آید .

<sup>۲۴</sup> . اظهار نظر او درباره حضرت ابوطالب علیه السلام .





نوشته هاشم معروف حسنی رجوع شود<sup>۲۵</sup>.

☑ نکته: آقای حسن زاده آملی، کتابی به نام ممدّ الهمم در شرح فصوص الحکم ابن عربی نوشته‌اند، سؤال ما از ایشان این است که: با وجود این اقرار، تولّی و تبرّی<sup>۲۶</sup> را چگونه توجیه می‌نمایید؟ آیا برای تأویل و توجیه مزخرفات وارث دشمنان علی و شرح نوشتن بر کتاب‌های او و تمجیدهای خارج از حدّ و وصف از او<sup>۲۷</sup> عذری می‌توانید بیاورید؟

### ابن عربی و نفی غدیر

☞ در کتاب فصوص گفته که حضرت رسول الله ﷺ از دنیا رحلت کرد، و از برای خود تعیین خلیفه نکرد، زیرا که می‌دانست، بعضی خواهند بود که خلافت را از خدا بگیرند و احکام را بی واسطه ملک، از خدا فرا بگیرند. و شک نیست در این که این اعتقاد کفر محض است و کلمات کفر او بسیار است<sup>۲۸، ۲۹</sup>.

☛ ابن عربی: همچنین است أخذ خلیفة الله عین آنچه را که رسول از حق تعالی أخذ کرده است. او به لسان کشف، خلیفة الله و به لسان ظاهر خلیفة رسول الله است. لذا

<sup>۲۵</sup>. ممدّ الهمم کلمة لوطیة ص ۳۲۵ پاورقی .

<sup>۲۶</sup>. دوستی با دوستان خداوند عزوجل و دشمنی با دشمنان خدای متعال .

<sup>۲۷</sup>. بعضی از تعریف‌ها و تمجیدهای ایشان و دیگران، درباره ابن عربی در چند صفحه بعد خواهد آمد .

<sup>۲۸</sup>. تحفة الاخیار ص ۱۳۵ .

<sup>۲۹</sup>. ابن نوبخت: منکران نص ( درباره مولای متقیان ﷺ ) نزد بیش‌تر اصحاب ما کافرند و بعضی آن‌ها را فاسق دانسته‌اند .

علامه حلی: بیش‌تر اصحاب، منکران نص بر امامت امیرالمؤمنین ﷺ را کافر دانسته‌اند، زیرا به تواتر معلوم است، بنابراین، وجود نص یکی از ضروریات دین و منکر آن همچون منکر وجوب نماز و روزه ماه رمضان، کافر است .



رسول الله مُرد<sup>۳۰</sup> و به خلافت کسی به جای خود تصریح نکرد و آن را تعیین ننمود زیرا عالم بود که در امت او کسی است که از جانب رب خود أخذ خلافت می نماید پس خلیفة الله است با موافقت در حکم شرع و چون رسول الله این معنی را می دانست کسی را مانع از امر خلافت نشد<sup>۳۱</sup>.

ای عزیز من ! کدام مصیبت از این عظیم تر است که جمعی دعوی شیفتگی و محبت اهل بیت علیهم السلام کنند ، و با این حال دعوی<sup>۳۲</sup> مریدی این مفتری کذاب<sup>۳۳</sup> نمایند ؟ !

<sup>۳۰</sup> . آقای حسن زاده آملی ، باید ظواهر را بیشتر رعایت می کرد و در ترجمه عبارت ابن عربی ، کلمه مناسبت تری استفاده می نمود مانند رحلت کرد ، از دنیا رفت و . . . نه این که ادب را رعایت نکند و بگوید رسول الله . . . ! ! و من يعظم شعائر الله فقد آمن بالله .  
<sup>۳۱</sup> . و كذلك أخذ الخلیفة عن الله عین ما أخذ منه الرسول ، فنقول فیه بلسان الكشف خلیفة الله و بلسان الظاهر خلیفة رسول الله . و لهذا مات رسول الله ص و ما نص بخلافة عنه إلى أحد و لا عینة لعلمه أن فی أمته من يأخذ الخلافة عن ربّه فیکون خلیفة عن الله مع الموافقة فی الحكم المشروع . فلما علم ذلك ص لم یحجر الأمر .  
ممدّ الهمم فص داودی ص ۴۰۹ و ۴۱۰

### اقرار دوم

. . . اگر خیلی جمود و سماجت در ظاهر لفظ بشود !!! باید گفت که شیخ صاحب عصمت نبود ، و در اول کتاب تصریح کرد که گفت من رسول و نبی نیستم ولی وارثم و حارس آخرتم و چون صاحب عصمت و رسول و نبی نیست ، کشف او را که از اخذ از حق تعالی است به حسب معتقد و سوابق اُنس و اُلّت اشتباهی روی آورد .  
حسن زاده آملی ممدالهمم ص ۴۱۰ پاورقی  
☑ منظور آقای حسن زاده آملی از عبارت ( در اول کتاب تصریح کرد ) ، همان مبشّره شیطنانی اول فصوص است که آن را در ادامه مطلب با عنوان مبشّره شیطنانی می آوریم ، آن را دقیق مطالعه و سپس با اقرار فوق از جناب ایشان مقایسه نمایید تا علاقه جنون آمیز این مرید دلسوخته نسبت به مرادش ، بیشتر و بیشتر برای شما روشن شود و جریان جمود و سماجت در لفظ را بیشتر درک کنید . برای طولانی نشدن مطلب از نکات و ظرایف این مقایسه پرهیز می کنیم و دقت را به خود شما واگذار می نمایم .

<sup>۳۲</sup> . دعوی : ادعا

<sup>۳۳</sup> . مفتری کذاب : تهمت زننده دروغ گو



در واقع جا دارد که مؤمنان دین دار ، در این مصیبت گریه‌ها و نوحه‌ها کنند<sup>۳۴</sup>.

### مبشره‌های شیطانی

✦ ابن عربی در ابتدای فصوص می‌گوید : من رسول‌الله را در مبشره‌های<sup>۳۵</sup> دیدم<sup>۳۶</sup> و این واقعه در محرم سال ۶۲۷ در شهر دمشق بود و دیدم که در دست رسول‌الله کتابی بود . . . به من فرمود : این کتاب فصوص الحکم است . آن را بگیر و به مردم برسان تا از او نفع برند . من گفتم : السمع و الطاعة مر خدای و رسول خدای و اولی الامر را آن چنان که به ما امر فرمودند . . . پس مقصود و مطلوب رسول الله ص را محقق گردانیدم و نیستم را خالص کردم و قصد و همتم را تجرید<sup>۳۷</sup> کردم برای ابراز این کتاب چنان که رسول الله برای من معلوم فرمود بدون کم و زیاد و از خدا خواستم که مرا در ابراز این کتاب و در جمیع احوالم از آن بندگانش بگرداند که شیطان بر آنها مسلط نیست . و به خصوص مرا در جمیع آنچه انگشتانم رقم و زبانم بیان می‌کند و دلم درمی‌نوردد و می‌گیرد به إلقاء سبوحی و دمیدن روحی در روعم<sup>۳۸</sup> تأیید کند . . . تا اهل الله اصحاب قلوب که بر او

۳۴ . تحفة الأخیار ص ۳۲۴ .

۳۵ . مبشره یعنی رؤیای بشارت دهنده ، در جایی وارد است که به چشم باطن خود دیدم که آن مبشره ( رؤیای صالحه ) را خدای متعال به

من نمود . ممدّ الهمم در شرح فصوص الحکم ص ۸ پاورقی ۱

۳۶ . در مورد تألیف فتوحات مکیه ، ادعایی بدتر می‌نماید و می‌گوید : فالعلم الالهی هو الذی کان الله سبحانه معلمه بالالهام و الالتقاء و

بإنزال الروح الأمين علی قلبه ، و هذا الكتاب ( فتوحات ) من ذلك النمط عندنا ، فوالله ما كتبت منه حرفاً إلا عن إملاء إلهی و إلقاء

ربّانی أو نقت روحانی فی روع کیانی . . . فتوحات باب ۳۷۳ ج ۶ ص ۲۸۷

۳۷ . خالص کردم .

۳۸ . ذهن و عقلم .



واقف می شوند بر ایشان محقق گردد و ثابت شود که این کتاب از مقام تقدیس است که از أغراض نفسانی که تلبیس<sup>۳۹</sup> در آن راه پیدا می کند منزّه است . . . پس من إلقاء نمی کنم مگر آنچه به من إلقاء شد و در این نوشته نازل نمی نمایم مگر آنچه بر من نازل شد . . .<sup>۴۰</sup>

☑ کدام انسان عاقل و شیعه خالص می تواند این ادعا را از ابن عربی بپذیرد ؟ در حالی که در همین کتاب ، غدیر را نفی کرده و اهتمام در اثبات ایمان فرعون داشته و با تمام قوا در تخریب شخصیت حضرت ابوطالب علیه السلام سعی می نماید و مطالب نادرست دیگر . . .<sup>۴۱</sup>

☑ منشأ این دروغ های ابن عربی ، وحیی است شیطانی نه الهی که شیطان<sup>۴۲</sup> در مبشره ای به او القا کرده : **وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونََ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَدِّلُوكُمْ<sup>۴۳</sup> . إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَآءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ<sup>۴۴</sup> .**

به قدری باطل بودن سخن ابن عربی روشن است که حتی مؤلف کتاب ممدالهمم بنا به مصالحی نتوانسته آن را توجیه نماید که این دلیلی است بر شکسته شدن هیمنه پوچی که طرفداران ابن عربی از شخصیت منحرف او به عنوان عارف بزرگ و شیخ اکبر می سازند .

<sup>۳۹</sup> . اشتباه و خلط .

<sup>۴۰</sup> . ممدالهمم ، مقدمه ص ۸ و ۹ .

<sup>۴۱</sup> . در پیام دین ( اشک ج ۲ ) ، برخی از مزخرفات فصوص را فهرست نموده ایم .

<sup>۴۲</sup> . شیطان خود را به عنوان رسول خدا به او معرفی کرده و این احمق متکبر یا او را نشناخته و یا مانند الاغ به إبلیس سواری داده است .

<sup>۴۳</sup> . انعام ۱۲۱ : همانا شیاطین مطالبی را به دوستان خود به طور مخفیانه القاء می کنند تا با شما به مجادله برخیزند .

<sup>۴۴</sup> . اعراف ۲۷ : ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند .



دشمنی این شیخ ( ابن عربی ) به قدری آشکار است که قابل توجیه نیست و چنانچه گذشت ، طرفداران او نیز نمی توانند آن را توجیه نمایند . با وجود این ، جای بسیار تأسف و تعجب است که عده‌ای ، این سراب عرفان مصطلح را آب پنداشته و برای سیراب نمودن روح خود در پی رسیدن به آن می‌دوند .

آیا تجلیل و تعظیم از ابن عربی توسط آقای حسن زاده و جناب سیدعلی قاضی و . . . و شرح کتاب‌های او ، تجلیل از شعائر شیطانی و تضعیف حق ، و ایجاد دگان در برابر مکتب قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام نیست؟!

### تعریف‌های بی‌اساس و اغراق آمیز<sup>۴۵</sup>

( آقای سیدعلی ) قاضی طباطبائی ، از میان عرفاء و واصلان کوی حقیقت ، محی‌الدین بن عربی را بسیار می‌ستودند و او را در معرفت نفس و شهود باطنی فردی بی‌نظیر می‌دانستند<sup>۴۶</sup> .

### جناب سید علی قاضی و ابن عربی

➤ آقای حسن زاده آملی می‌نویسد : تنی چند از اساتید بزرگوار ما . . . که در نجف اشرف از شاگردان نامدار . . . سید میرزا علی آقای قاضی تبریزی بوده‌اند . . . از مرحوم قاضی حکایت می‌کردند که آن جناب می‌فرمود :

<sup>۴۵</sup> . علامه حاج شیخ ذبیح الله محلاتی : علمای اسلام در حق او ( ابن عربی ) چهار فرقه‌اند : یک فرقه می‌گویند از شیعیان خُصّ أميرالمؤمنین علیه‌السلام است . فرقه دوم او را صوفی سنّی می‌دانند . فرقه سوم در حق او ساکت باشند . فرقه چهارم او را مخبّط و مخبّل و دیوانه می‌دانند و عقیده بنده همین است .

کشف الإشتباه ص ۱۲۲

<sup>۴۶</sup> . دریای عرفان ، شرح حال سید علی قاضی طباطبائی ص ۳۲ .



بعد از مقام عصمت و امامت ، در میان رعیت احدی در معارف عرفانی و حقایق نفسانی در حدّ محیی‌الدین عربی نیست و کسی به او نمی‌رسد !  
و نیز می‌فرمود که : ملاصدرا هر چه دارد ، از محیی‌الدین دارد و در کنار سفره او نشسته است .<sup>۴۷</sup>

☑ به نظر شما این سخن آقای سید علی قاضی ، توهین به مقام شامخ تمامی علمای بزرگوار شیعه نیست ؟ شخصیت‌هایی مانند : شیخ صدوق ، شیخ مفید ، کلینی ، سید بن طاووس ، علامه حلی ، مقدس اردبیلی ، علامه مجلسی و ... ( رحمتهم الله )

☛ هاشم حداد می‌گوید : مرحوم آقا ( آقای قاضی ) به محیی‌الدین عربی و کتاب فتوحات مکیّه وی بسیار توجه داشتند و می‌فرموده‌اند : محیی‌الدین از کاملین است<sup>۴۸</sup> !!!

### برخی از اشکالات فتوحات<sup>۴۹</sup>

جناب سیدعلی قاضی ، منحرفی مانند ابن‌عربی را از کاملین می‌داند و به کتاب فتوحات مکیّه او توجه بسیار دارد در حالی که در این کتاب مزخرفات فراوان است ، مانند :

- ۱ . شیعه گروهی گمراه و همچنین گمراه کننده است .<sup>۵۰</sup>
- ۲ . شیعیان در محبت اهل بیت و بغض و دشمنی با صحابه ، پیروان شیاطین جن هستند .<sup>۵۱</sup>

<sup>۴۷</sup> . دومین یادنامه طباطبایی ، عرفان و حکمت متعالیه ص ۴۱ . دریای عرفان ، شرح حال سید علی قاضی طباطبایی ص ۳۲ .

<sup>۴۸</sup> . روح مجرد ص ۳۴۲ .

<sup>۴۹</sup> . صاحب فصوص و فتوحات را تألیفات بسیار در عرفان و غیره است که بیش از هشتصد مجلد کتب و رسائل وی را عثمان یحیی در دو مجلد به فرانسه ، فهرست کرده است . . . فتوحات مکیّه در میان مؤلفات عرفانی او أمّ الکتاب او است و آن پانصد و شصت باب است .

حسن زاده آملی دومین یادنامه طباطبایی ، عرفان و حکمت متعالیه ص ۴۲ و ۴۳

<sup>۵۰</sup> . و أكثر ما ظهر ذلك في الشيعة . . . فضلوا و أضلوا . . . فتوحات ج ۱ باب ۵۵ ص ۶۳۵ و ۶۳۶



۳. رجیون در مکاشفات خود ، شیعیان را به شکل خوک می‌بینند<sup>۵۲</sup>.

۴. مشرک دانستن حضرت ابوطالب علیه السلام<sup>۵۳</sup>.

۵. معتقد است که : فرعون ، مؤمن و طاهر جان داده و خداوند ایمان او را پذیرفته است و غرق شدنش

غسل توبه اوست<sup>۵۴</sup>!!!<sup>۵۵</sup>

۶. اثبات عصمت عمر<sup>۵۶</sup>.

۷. تعریف و تمجید از زبیر<sup>۵۷</sup>.

۸. می‌گوید متوکل عباسی از اقطاب و اولیای خداست<sup>۵۸</sup>.

۹. معاویه را تعریف و جنایاتش را توجیه می‌کند ، و خطاهایش را نیز دارای اجر و پاداش می‌داند<sup>۵۹</sup>.

۱۰. دلسوزی به حال جهنمیان ، و بی حس شدن اعضای آنان و درک نکردن عذاب و درد و...<sup>۶۰</sup>.

۱۱. افسانه برکه آب<sup>۶۱</sup>.

<sup>۵۱</sup> . و اکثر ما ظهر ذلك في الشيعة و لا سيما في الامامية منهم فدخلت عليهم شياطين ... فتوحات ج ۱ باب ۵۵ ص ۶۳۵ و ۶۳۶

<sup>۵۲</sup> . و منهم رضی الله عنهم الرجیون ... لقیتم واحداً منهم بدنیسیر ... فتوحات ج ۳ باب ۷۳ ص ۱۴

<sup>۵۳</sup> . و من رأى أن غسل الميت تنظیف ... فتوحات ج ۲ باب ۶۹ ص ۲۶۶

<sup>۵۴</sup> . هو قوله : حتى إذا أدرکه الغرق ... فتوحات ج ۴ باب ۱۹۸ توحید ۱۲ ص ۷۰ و ۷۱

☛ قال لموسی و هارون : فقولاً له قولاً لئناً ... فتوحات ج ۴ باب ۱۹۸ توحید ۱۴ ص ۷۳

☛ ولعل و عسی من الله واجبتان ... فقال : آمنت بالذی آمنت به بنوإسرائيل ... فتوحات ج ۳ باب ۱۶۷ ص ۴۹۹ و ۵۰۰

<sup>۵۵</sup> . در پیام دین ( احکام قرآن ج ۲ ) ، مدارک این موضوع این شاء الله کامل مطرح می‌گردد .

<sup>۵۶</sup> . و من اقطاب هذا المقام عمر بن الخطاب و ... فدلّ علی عصمته بشهادة المعصوم ... فتوحات ج ۱ باب ۳۰ ص ۴۷۸

<sup>۵۷</sup> . و منهم رضی الله عنهم الحواریون ... و كان في زمان رسول الله ص الزبیر بن العوام ... فتوحات ج ۳ باب ۷۳ ص ۱۳

<sup>۵۸</sup> . فمنهم رضی الله عنهم الاقطاب ... كأبی بكر و عمر و عثمان و ... و المتوكل . فتوحات ج ۳ باب ۷۳ ص ۱۰ و ۱۱

<sup>۵۹</sup> . و كذلك ما أحدثه معاوية كاتب رسول الله ص و صهره خال المؤمنین ... فتوحات ج ۲ باب ۶۹ ص ۲۶۲

<sup>۶۰</sup> . و لا بدّ لأهل النار من فضل الله و رحمته في نفس النار بعد انقضاء ... فتوحات ج ۱ باب ۶۲ ص ۶۷۸

<sup>۶۱</sup> . و من ألطف ما روينا في حال المحب عن شخص من المحبين دخل علی ... فتوحات ج ۳ باب ۱۷۸ ص ۶۳۰



۱۲ . أبو عبيده جراح را از أمناء می‌داند<sup>۶۲</sup>.

۱۳ . توصیه به پیروی از عمر<sup>۶۳</sup>.

۱۴ . معرفت ابوبکر و عمر<sup>۶۴</sup>.

۱۵ . عثمان ... و فک زدن ابن عربی بالای منبر برای پیامبر صلی الله علیه و آله<sup>۶۵</sup>.

۱۶ . ادعای دیدن خداوند در خواب<sup>۶۶</sup>.

۱۷ . ابوبکر و عمر و عثمان از اقطاب<sup>۶۸</sup>.

۱۸ . ابوبکر و عمر و عثمان<sup>۶۹</sup>.

۱۹ . دعای پیامبر بعد از ختم صحیح بخاری<sup>۷۰</sup>.

<sup>۶۲</sup> . و منهم رضى الله عنهم الأمناء قال النبي ص : إن لله أمناء و قال فى أبى عبيدة ابن الجراح إنه أمين هذه الأمة .

فتوحات ج ۳ باب ۷۳ ص ۳۵

<sup>۶۳</sup> . وصية : كن عمرى الفعل فإن عمر ابن الخطاب ...

فتوحات ج ۸ باب ۵۶۰ ص ۳۲۴

<sup>۶۴</sup> . يقول عمر بن الخطاب ... فانظر إلى معرفة عمر .. و لا قام فيه مثل هذا المقام مثل أبى بكر الصديق ...

فتوحات ج ۵ باب ۳۰۳ ص ۲۸ و ۲۹

<sup>۶۵</sup> . أرسل رسول الله ص عثمان رضى الله عنه إلى أمرأ بالكلام ... و رسول الله عن يمين المنبر قاعد ...

فتوحات ج ۱ باب ۵ ص ۳۰۹

<sup>۶۶</sup> . ابن عربى مى‌گوید : حق را دو مرتبه در خواب دیدم و او به من می‌گفت : بندگانم را نصیحت کن و ... إلا أن رأيت الحق فى النوم

مرتبين و هو يقول لى : نصح عبادى و هذا من أكبر نصيحة نصحتك بها ...

<sup>۶۷</sup> . از امام صادق عليه السلام سؤال شد : مردی پروردگارش را در خواب دیده ، چگونه می‌شود ؟ حضرت در پاسخ فرمودند : آن شخص مردی بی

فتوحات ج ۱ باب ۶۸ ص ۷۳۸

دین است ، خداوند دیده نمی‌شود ، نه در بیداری و نه در خواب و نه در دنیا و نه در آخرت .

قلت للصادق عليه السلام : إن رجلاً رأى ربّه عزّوجلّ فى منامه فما يكون ذلك ؟ فقال : ذلك رجل لا دين له ، إن الله تبارك و تعالى لا يرى

أمالى صدوق م ۸۹ ص ۹۵۶ ح ۵

فى اليقظة و لا فى المنام و لا فى الدنيا و لا فى الآخرة .

فتوحات ج ۳ باب ۷۳ ص ۱۰ و ۱۱

<sup>۶۸</sup> . فمنهم رضى الله عنهم الأقطاب ... كأبى بكر و عمر و عثمان و ...

فتوحات ج ۱ خطبة الكتاب ص

<sup>۶۹</sup> . الذى شاهدته عند إنشائى ... والصدیق على يمينه ... والفاروق على يساره ...

فتوحات ج ۱ خطبة الكتاب ص

كالخليفة بعد رسول الله ... أنه أعطاها أبابكر ثم عمر ثم عثمان ثم علياً بحسب أعمارهم .

فتوحات ج ۷ باب ۵۵۸ ص ۴۹۸

و كذا ذكر أنّ كلّ واحد من الخلفاء الاربعة ما مات حتى بلغ ...

فتوحات ج ۵ باب ۳۴۸ ص ۳۸۶





۲۰. أبوهريه از علمای اُمت<sup>۷۱</sup>.

۲۱. روزه روز عاشورا سبب تقرب و مقدمه شهود<sup>۷۲</sup>.

۲۲. حکم أنت طالق ثلاثاً و جواب پیامبر صلی الله علیه و آله<sup>۷۳</sup>.

۲۳. اظهار بی‌نیازی از شناخت امام زمان<sup>عجل الله فرجه</sup><sup>۷۴</sup>.

۲۴. ابن عربی خود را خاتم الاولیاء می‌داند<sup>۷۵</sup>.

۲۵. برتر دانستن خاتم الاولیاء از امام زمان<sup>عجل الله فرجه</sup><sup>۷۶</sup>.

۲۶. اشتراک حکمی خود با حضرت عیسی<sup>عجل الله فرجه</sup><sup>۷۷</sup>.

۲۷. اعتقاد به وحدت وجود ( همه خدایی و خدا همه‌ای ، یگانگی هستی ، یگانگی خالق و مخلوق )<sup>۷۸</sup>.

۲۸. خود را مروج صوفیه معرفی می‌کند<sup>۷۹</sup>.

<sup>۷۰</sup>. و يقال عند خاتمة المجالس : اللهم أسمعنا خيراً و أطلعنا خيراً و ... فتوحات ج ۸ باب ۵۶۰ خاتمة الباب و هو خاتمة الكتاب ص ۴۷۷

<sup>۷۱</sup>. و طائفة أخرى من علماء هذه الأمة يحفظون عليها أحوال الرسول ... كـ ... و أبي هريرة ... فتوحات ج ۱ باب ۱۴ ص ۳۸۲

<sup>۷۲</sup>. و وصل في فصل الصوم المندوب إليه ... و عاشوراء ... فتوحات ج ۲ باب ۷۱ ص ۴۵۵

و وصل في فصل صوم يوم عاشوراء ... فتوحات ج ۲ باب ۷۱ ص ۴۷۶

<sup>۷۳</sup>. و سألت رسول الله ص في تلك الرؤيا عن المطلقة بالثلاث ... فتوحات ج ۸ باب ۵۶۰ خاتمة الباب و هو خاتمة الكتاب ص ۴۷۷

<sup>۷۴</sup>. فاعلم أني على الشك من مدة إقامة هذا المهدي ... فأنت من ذلك ... فتوحات ج ۶ باب ۳۶۶ ص ۶۹ و

۷۰.

<sup>۷۵</sup>. و لقد رأيت رؤيا لنفسي ... و عسى أن أكون ممن ختم الله الولاية بي ... فتوحات ج ۱ باب ۶۵ ص ۷۰۸

<sup>۷۶</sup>. و أما ختم الولاية المحمدية فهو أعلم الخلق بالله لا يكون في زمانه و لا بعد زمانه أعلم بالله و بمواقع الحكم منه ، فهو القرآن أخوان ،

كما أن المهدي و السيف أخوان . فتوحات ج ۶ باب ۳۶۶ ص ۶۷

<sup>۷۷</sup>. فالتفت السيد الاعلى ... فرآني وراء الختم ( عيسى ) لاشتراك بيني و بينه في الحكم ... فتوحات ج ۱ خطبة الكتاب ص ۱۱۴

و أما ختم الولاية العامة الذي لا يوجد بعده و لي فهو عيسى ع . فتوحات ج ۳ باب ۷۳ السؤال الثالث عشر ص ۸۷ و ۸۸

<sup>۷۸</sup>. عبارات فراوان است از باب نمونه :

و في كل شيء له آية ، تدل على أنه عينه ... فتوحات ج ۱ باب ۵۰ ص ۶۱۴

و فسبحان من أظهر الأشياء و هو عينها ... فتوحات ج ۴ باب ۱۹۸ ص ۱۵۹



۲۹. می گوید هر حرفی از فتوحات را به إملاء إلهی و إلقاء ربانی توسط الهام و إلقاء و نزول روح الأمين بر

قلبش نوشته است.<sup>۸۰</sup>

۳۰. دعا برای خونخوار ثقفی ، حجاج بن یوسف<sup>۸۱</sup> .

۳۱. رسول الله ﷺ و ابوبکر از طینت واحد و صدای ابوبکر در وحشت معراج و اسراء<sup>۸۲</sup> .

۳۲. عایشه و حفصه و قوت و علم خارق العاده و تکیه گاه افسانه‌ای آن‌ها<sup>۸۳</sup> .

۳۳. دعا برای منصور حلاج ملعون<sup>۸۴</sup> .

۳۴. نسبت‌های ناروا به پیامبر ﷺ<sup>۸۵</sup> .

۳۵. شافعی از اوتاد<sup>۸۶</sup> .

۳۶. عبدالقادر گیلانی امام عصر<sup>۸۷</sup> .

<sup>۷۹</sup> . أما بعد فقد سألتني بعض الإخوان أن أقيد له في هذه ... على طريق التصوف . فتوحات ج ۱ فهرست مؤلفات ابن عربی ص ۸۸

☛ في معرفة مقام التصوف ... جعلنا الله من الصوفية ... فتوحات ج ۳ باب ۱۶۵ ص ۴۸۳

<sup>۸۰</sup> . فالعلم الالهي هو الذي كان الله سبحانه معلمه بالالهام و الالتقاء و بإنزال الروح الأمين على قلبه ، و هذا الكتاب من ذلك النمط عندنا ،

فوالله ما كتبت منه حرفاً إلا عن إملاء إلهي و إلقاء رباني أو نثت روحاني في روع كياني ... فتوحات ج ۶ باب ۳۷۳ ص ۲۸۷

<sup>۸۱</sup> . و لقد وفق الله الحجاج رحمه الله ... فتوحات ج ۲ باب ۷۲ ص ۶۰۶

☛ فأمر الصحبة عظيم ... و أحسن ما بلغني في رعي حقها و ... ما حكى عن الحجاج رحمه الله ... فتوحات ج ۳ باب ۱۷۰ ص ۵۲۱

<sup>۸۲</sup> . نودی ع في ليلة اسرائه في إستيحاشه بلغة أبي بكر فأنس بصوت أبي بكر خلق رسول الله ص و أبوبكر من طينة واحدة فسبق محمد ص

و صلى ابوبكر . فتوحات ج ۱ باب ۲ ص ۲۵۸

<sup>۸۳</sup> . فقال لي : لاتعجب ... و عرفته عائشه و حفصة !!! فتوحات ج ۱ باب ۲۲ ص ۴۳۸

<sup>۸۴</sup> . . . . و هذا كان علم الحسين بن منصور رحمه الله ... و هذا الاصطلاح من وضع الحلاج . فتوحات ج ۱ باب ۲۰ ص ۴۱۷

<sup>۸۵</sup> . ☛ و في هذا اليوم لعبت الأحابشة في مسجد رسول الله ص و هو واقف ينظر إليهم و عائشة ... فتوحات ج ۲ باب ۶۹ ص ۲۶۳

☛ و جاءت امرأة إلى رسول الله ص فقالت : يا رسول الله إني نذرت أن ... فتوحات ج ۳ باب ۱۸۳ ص ۶۷۳

<sup>۸۶</sup> . قال فيه الشافعي رحمه الله ... فإنه كان من الأربعة الأوتاد ... روينا عن بعض الصالحين أنه لقي الخضر فقال له : ما تقول في الشافعي ؟

فقال هو من الأوتاد ... فهذه شهادة الخضر في الشافعي رحمه الله . فتوحات ج ۳ باب ۹۰ ص ۳۰۲

<sup>۸۷</sup> . عن إمام العصر عبد القادر أنه قال ... فتوحات ج ۳ باب ۷۳ ص ۱۶۰



۳۷. معاذ بن جبل أعلم در حلال و حرام<sup>۸۸</sup>.

۳۸. احمد بن حنبل از اقطاب و مردی راستگو<sup>۸۹</sup>.

۳۹. ابوبکر خلیل الله<sup>۹۰</sup>!

۴۰. عمر از محدثون<sup>۹۱</sup>!

۴۱. نسبت دادن شک به پیامبر<sup>۹۲</sup>.

۴۲. تصدیق خلافت ابوبکر<sup>۹۳</sup>.

۴۳. بهشتیان ذهنی ابن عربی<sup>۹۴</sup>.

۴۳. ابوبکر أعلم مردم<sup>۹۵</sup>.

۴۴. ابوبکر هم شأن پیامبر ﷺ<sup>۹۶</sup>.

<sup>۸۸</sup> . كقوله عليه السلام : أقضاكم على و أفرضكم زيد و أعلمكم بالحلال و الحرام معاذ بن جبل . فتوحات ج ۶ باب ۳۷۴ ص ۳۰۴

<sup>۸۹</sup> . روينا عن بعض الصالحين أنه لقي الخضر فقال له : ... فما تقول في أحمد بن حنبل ؟ قال رجل صدّيق . فتوحات ج ۳ باب ۹۰ ص ۳۰۲

✎ و من اقطاب هذا المقام عمرين الخطاب و أحمد بن حنبل . فتوحات ج ۱ باب ۳۰ ص ۴۷۸

<sup>۹۰</sup> . و منهم رضی الله عنهم الأخلاء ... و قال النبي ص ... لا تأخذت أبابكر خلیلاً و لكن صاحبكم خلیل الله . فتوحات ج ۳ باب ۷۳ ص ۳۸

<sup>۹۱</sup> . و منهم رضی الله عنهم المحدثون و عمرين الخطاب رضی الله عنه منهم . فتوحات ج ۳ باب ۷۳ ص ۳۷

✎ إن يكن في امتي محدثون فعمر منهم ... فتوحات ج ۱ باب ۳۰ ص ۴۷۷

✎ إن يكن في امتي محدثون فمنهم عمر و قوله في أبي بكر في فضله بالسر ... فتوحات ج ۱ مقدمة الكتاب ص ۱۶۵

<sup>۹۲</sup> . و إنما شك رسول الله ص ... فتوحات ج ۶ باب ۳۶۶ ص ۶۷

✎ فإنه إليها إنتهى الشك من رسول الله ص ... فتوحات ج ۶ باب ۳۶۶ ص ۷۱

<sup>۹۳</sup> . و الحادي عشر : سورة طه و ... و هذا ممّا يدلّك على صحّة خلافة أبي بكر الصّدّيق و ... فتوحات ج ۷ باب ۴۶۳ ص

۱۴۴

✎ و لم يحكم أحد من الأولياء ... مثل أبوبكر الصديق ... فإن الله قد سبق علمه بأن يجعله خليفة ... فتوحات ج ۵ باب ۳۰۳ ص ۲۹

<sup>۹۴</sup> . و تعيّن العشرة ... أبوبكر ، و عمر و عثمان و على و سعد و سعيد و طلحة و الزبير و عبدالرحمن بن عوف و أبو عبيدة بن الجراح ،

فهذا منزلهم الذي منه عينهم رسول ص و شهد لهم بالجنة ... فتوحات ج ۵ باب ۳۴۸ ص ۳۸۶

<sup>۹۵</sup> . فأنزل عليه إذا جاء نصر الله ... بكى أبوبكر الصديق رضی الله عنه ... و هو كان أعلم الناس به ... فتوحات ج ۱ باب ۲۳ ص ۴۴۰

<sup>۹۶</sup> . و وجدنا بسم ذا نقطة ... لو كنت متخذاً خلیلاً لا تأخذت أبابكر خلیلاً ... فتوحات ج ۱ باب ۵ ص ۳۰۶ و ۳۰۷



۴۵. علی علیه السلام نیازمند به حدیث ابوبکر <sup>۹۷</sup>.

۴۶. اشتغال ابوبکر به باطن و صدور حرکات الهی از او <sup>۹۸</sup>.

۴۷. مقام عمر <sup>۹۹</sup>.

۴۸. رتبه ابوبکر <sup>۱۰۰</sup>.

۴۹. دشمنی با امیرالمؤمنین علیه السلام <sup>۱۰۱</sup>.

۵۰. تحقیر عقل و عقلا <sup>۱۰۲</sup>.

۵۱. افسانه دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله، به صورت مکرر <sup>۱۰۳</sup>.

۵۲. ظلم در حق صدیقه طاهره زهراى مرضیه <sup>۱۰۴</sup>.

<sup>۹۷</sup>. وصیة : إذا قرأت فاتحة الكتاب فصل بسملتها معها . . . فتوحات ج ۸ باب ۵۶۰ ص ۳۷۶

<sup>۹۸</sup>. حتى لا ينون إلا ما أمرهم الله به . . . و أكبر من كان فيه أبو بكر الصديق رضى الله عنه . . . فتوحات ج ۱ باب ۳۳ ص ۵۰۰

<sup>۹۹</sup>. و بهذا الدواء يذهب مرض الشيطان من نفسك وتكون عمرى المقام . . . فتوحات ج ۱ باب ۵۵ ص ۶۳۹

<sup>۱۰۰</sup>. وقال ص : وزنت أنا و أبو بكر فرجحت و وزن أبو بكر بالأمة فرجحتها . فتوحات ج ۵ باب ۳۰۱ ص ۱۱

<sup>۱۰۱</sup>. و قد ورد خبر لا علم لى بصحته ! . . . هذا إن صح الخبر ! ولا علم لى به لا من الكشف و لا من . . . فتوحات ج ۳ باب ۱۸۰ ص ۶۶۴

محبی الدین اعرابی می گوید که در عالم مکاشفه به معراج راه یافتم و در آسمان چهارم ابوبکر را دیدم و در سوم عمر را و در دوم عثمان و در آسمان اول علی را ، پس به علی گفتم که تو در دنیا خود را افضل از خلفا می دانستی اکنون مقام تو از ایشان پست تر شد ، پس علی جوابی نداشت . قصص العلماء در حالات شهید ثالث ص ۴۱ ، عین الحیات ج ۲ ص ۴۵۸ با اندکی تفاوت

<sup>۱۰۲</sup>. و إنما ذلك من فضول العقل . . . و لا تجعل لعقلك سبيلاً إلى ذلك فتهلك . . . فتوحات ج ۳ باب ۱۷۲ ص ۵۲۷ و

۵۲۸

❖ فإن العقلاء من أهل النظر يتخيلون أنهم علماء . . . و ما من قوة إلا و لها غلط قد علموه . . . فتوحات ج ۳ باب ۱۷۷ ص ۵۴۴

<sup>۱۰۳</sup>. و كذلك النبى ص قد رأيته مراراً و سألته عن أشياء . . . فتوحات ج ۳ باب ۱۸۰ ص ۶۶۴

<sup>۱۰۴</sup>. ❖ كما فعل سبحانه فى جميع الموجودات فاختار من كل أمر فى كل جنس أمراً ما ، كما اختار من الأسماء الحسنى كلمة الله ، و اختار

من الناس الرسل . . . و اختار من النساء مريم و آسية و اختار من الرجال محمداً ص . فتوحات ج ۳ باب ۹۰ ص ۳۰۳

❖ قيل لبعضهم : كم الأبدال ؟ قال : أربعون نفساً ، قيل له : لم لم تقل رجلاً ؟ قال : قد يكون فيهم النساء كما قال ص فى الكمال ، فذكر

أنه يكون أيضاً فى النساء و عین منهن مريم ابنة عمران و آسية امرأة فرعون . فتوحات ج ۳ باب ۹۶ ص ۳۲۴

❖ قال ص فى الإنسان كمل من الرجال كثيرون ، و من النساء : مريم و آسية و فضل عائشة على النساء كفضل الثريد على الطعام .

فتوحات ج ۳ باب ۱۷۷ ص ۵۶۰

❖ . . . قال رسول الله ص : لو أن فاطمة بنت محمد سرقت قطعت يدها . فتوحات ج ۳ باب ۱۷۱ ص ۵۲۲ و ۵۲۳



۵۳. ادعای نبوت مستور برای خود و بایزید بسطامی<sup>۱۰۵</sup>.

۵۴. وصله‌های لباس عمر<sup>۱۰۶</sup>.

۵۵. فقط خدا معلم ابن عربی<sup>۱۰۷</sup>.

۵۶. طعن و اهانت به حضرت داود علیه السلام و بلکه به خداوند جل و علا<sup>۱۰۸، ۱۰۹</sup>.

۵۷. اتحاد ادیان یا اعتقاد به لامذهبی<sup>۱۱۰، ۱۱۱</sup>.

۵۸. چسبندگی عثمان به خلافت<sup>۱۱۲</sup>.

۵۹. ادعای رؤیت خدا در بیداری<sup>۱۱۳</sup>.

۶۰. آشکار شدن خداوند در قیامت<sup>۱۱۴</sup>.

... و

👈 **علامه حاج شیخ ذبیح الله محلاتی** : اکنون ای برادر عزیز ، انصاف بده که شخص عاقل

<sup>۱۰۵</sup> . لم یمت أبویزید حتی استظهر القرآن و ... فنبوتنا مستورة عنّا مع كوننا محللاً لها ... فتوحات ج ۳ باب ۱۱۰ ص ۳۴۹

<sup>۱۰۶</sup> . كان لعمر بن الخطاب ثوب يلبسه فيه ثلاث عشرة رقعة إحداهن قطعة جلد و هو أمير المؤمنين . فتوحات ج ۳ باب ۱۰۶ ص

۳۳۷

<sup>۱۰۷</sup> . ثم ينتقل هذا التابع من هذا المقام إلى ... فلا افتقار له إلى معلّم يستمد منه سوى خالقه عزّوجلّ . فتوحات ج ۳ باب ۱۶۷ ص ۵۱۱

<sup>۱۰۸</sup> . و قد أوحى الله لنبیّه داود أن يبني له بيتاً ... لا يقوم على يدك فإنك سفكت الدماء ... فتوحات ج ۳ باب ۱۷۸ ص ۶۲۵

<sup>۱۰۹</sup> . در واقع غرض ابن عربی طعن زدن به همه انبیاء و اوصیائی است که در راه خدا جهاد نموده‌اند به خصوص امام علی علیه السلام .

<sup>۱۱۰</sup> . عقد الخلائق فی الإله عقائداً ، و أنا شهدت جميع ما اعتقدوه . فتوحات ج ۵ باب ۳۳۵ ص ۲۵۵

<sup>۱۱۱</sup> . در نظر صوفی پخته ، اسلام و بت پرستی یکسان و مسجد و بت خانه یکی است ...

به عقیده عارف ، جميع فرق و صاحبان همه ادیان و مذاهب ، حق را می پرستند ...

از محیی‌الدین است : عقد الخلائق فی الإله عقائداً و أنا اعتقدت جميع ما عقده . عارف و صوفی چه می گویند مطلب ۵ ص ۱۰۱ و ۱۰۲

<sup>۱۱۲</sup> . فإذا أعطى التحكم فى العالم فى الخلافة ... و عثمان رضى الله عنه الذى لم يخلع ثوب الخلافة عن عنقه حتى قتل لعلمه بما للحق

فيه ، فإن رسول الله ص نهاء أن يخلع عنه ثوب الخلافة ... فتوحات ج ۳ باب ۱۷۷ ص ۵۶۲

<sup>۱۱۳</sup> . و ممّا يتضمنه هذا الباب أيضاً قولنا فى واقعة رأيت الحق فيها يخاطبني بمعنى ما فى هذه الأبيات و سمانى باسم ما سمعت به قط إلا

منه تعالى فى تلك الواقعة و هو نرديار فسألته تعالى عن تفسير هذا اللفظ فقال : ممسوك الدار و هى هذه الابيات .

فتوحات ج ۳ باب ۱۷۸ ص ۵۸۵

فتوحات ج ۳ باب ۱۷۸ ص ۶۰۷

<sup>۱۱۴</sup> . و كذا يظهر الحق لعباده يوم القيامة فيتعوذون منه لعدم معرفتهم به .



دین دار ، این خرافات و اراجیف و کفریات از دهن او خارج می شود ؟ ! به خدای  
لاشریک له قسم است که هر که حکم به جنون و ضلال محی الدین نکند بعد از اطلاع به  
دوره زندگانی او ، هر آینه در خودش رگ جنونی خواهد بود<sup>۱۱۵</sup>.

### آقای حسن زاده آملی و ابن عربی

اما درباره فصوص و فتوحات باید گفت : **كُلُّ الصَّيِّدِ فِي جَوْفِ الْفَرَأِ** ، ( همه شکارها در  
درون گوره خر است )<sup>۱۱۶</sup>.<sup>۱۱۷</sup> و تاکنون نه تنها فتوحات مکیه بلکه هیچ یک از مصنّفات  
شیخ در عالم مؤلفات مانند خود را ندیده است ، به خصوص فصوص و فتوحات را باید از  
کرامات خاص به او دانست **ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ**<sup>۱۱۸</sup>.

سپس از استاد خود آقای طباطبایی این عبارت را می آورد : شیخ ( محیی الدین عربی )  
در فصوص مشتمت مشتمت آورد و در فتوحات دامن دامن<sup>۱۱۹</sup>.<sup>۱۲۰</sup>

☑ برخی از انحرافات ابن عربی موجود در کتاب فصوص الحکم ، در پیام دین ( اشک ج ۲ )  
مطرح شده است .

<sup>۱۱۵</sup> . کشف الإشتباه ص ۱۲۷

<sup>۱۱۶</sup> . عبارت یاد شده یکی از مثل های مشهور عرب است که در مورد فردی یا چیزی که بخواهند آن را به جامعیت فضائل صوری و  
کمالات معنوی بستایند به کار می رود .

<sup>۱۱۷</sup> . دومین یادنامه طباطبایی ، عرفان و حکمت متعالیه ص ۳۸ .

<sup>۱۱۸</sup> . حسن زاده آملی ، دومین یادنامه طباطبایی ، عرفان و حکمت متعالیه ص ۳۹ .

<sup>۱۱۹</sup> . آقای طباطبایی مؤلف المیزان : چه طور می شود محیی الدین را اهل طریق دانست با وجودی که متوکّل را از اولیای خدا میداند ؟ !

روح مجرد ص ۴۳۶ پاورقی

<sup>۱۲۰</sup> . دومین یادنامه طباطبایی ، عرفان و حکمت متعالیه ص ۳۸ .



## آقای جوادی آملی و ابن عربی

محمد بن علی بن محمد بن احمد بن عبدالله بن حاتم الطایی ، معروف به محی الدین ، مکئی به ابن عربی ، ملقب به شیخ اکبر ( ۵۶۰ - ۶۳۸ ) است . . . در بین معاریف اهل عرفان بی همتا ، و در عمودین زمان خویش ( گذشته تاکنون ) بی نظیر می باشد . آن چه امام رازی درباره مرحوم بوعلی گفته است . . .<sup>۱۲۱</sup> در خور ابن عربی است ، زیرا گفتار و نوشتار تازی<sup>۱۲۲</sup> و فارسی ، نثر و نظم ( در ماضی و غابر ) دیگران نسبت به بحر مواج محی الدین بضعه‌ای<sup>۱۲۳</sup> به شمار می آید و . . .<sup>۱۲۴</sup>

## پنهان کاری و کتمان

☛ آقای شیخ عباس قوچانی : من هر روز قبل از ظهرها به مدت دو ساعت به محضر مرحوم قاضی می رفتم ، و این ساعتی بود که جمیع شیفتگان و شاگردان ایشان به حضورشان شرفیاب می شدند . و در این سنوات اخیر<sup>۱۲۵</sup> من برای ایشان کتاب فتوحات را می خواندم و ایشان استماع می نمودند ، و احياناً اگر مردی غریب وارد می شد ، من از ادامه قرائت آن خودداری می کردم و مرحوم قاضی از مطالب دیگر سخن به میان

<sup>۱۲۱</sup> . ما سبقه اليه من قبله و لا لحقه من بعده . کسی قبل و بعد از او به مانند او نیامده است .

<sup>۱۲۲</sup> . تازی : عربی " غابر : آینده " ماضی : گذشته " نثر : کلام غیر منظوم و معمولی " نظم : کلام منظوم و شعر " بحر مواج : دریای

پر موج و بسیار موج زننده "

<sup>۱۲۳</sup> . پاره‌ای ، قطره‌ای ، اندکی .

<sup>۱۲۴</sup> . آوای توحید فصل ۱۲ ص ۷۸ . احیاگر عرفان پژوهشی در زندگی و مذهب محی الدین ابن عربی ص ۱۸۸ و ۱۸۹ .

<sup>۱۲۵</sup> . سال‌های آخر عمر جناب آقای سید علی قاضی .



می آوردند<sup>۱۲۶</sup>.

✓ آری به خاطر همین پنهان کاری بوده که حالات درونی جناب سید علی قاضی برای شیعه آشکار نگردیده است . و البته خداوند حق را آشکار می کند . از آن جا که در آن زمان جوّ عمومی حوزه نجف اشرف با عرفان مصطلح موافق نبود روش عرفانی جناب قاضی مورد اعتراض قرار گرفت و جمعی با او به مخالفت پرداختند .

### علت پنهان کاری

آقای سید محمد حسن قاضی<sup>۱۲۷</sup> در مورد این مخالفت ها می گوید : پدرم مکرّر می فرمود : نمی خواهم در تاریخ نوشته شود که قاضی به علّت مخالفت با فقهای روزگار خود به قتل رسید<sup>۱۲۸</sup>.

### دیدگاه ملا محسن فیض کاشانی

محبی الدین ابن عربی که از پیشوایان تصوّف و رؤسای ( به اصطلاح ) اهل معرفت آن هاست ، در فتوحاتش می گوید : من از خدا نخواستم تا امام زمان مرا به من بشناساند و اگر از او می خواستم می شناسانید . . . در سخنان ابن عربی مطالبی است که مخالفت روشن با شرع و ضدّیت آشکار با عقل دارد که بچه ها از شنیدن آن می خندند و مورد استهزاء زنان می باشد . در کتاب ها و مصنّفاتش ، إساءه ادب هایی به خداوند وجود دارد

<sup>۱۲۶</sup> . آقای محمد حسین طهرانی ، روح مجرد ص ۳۴۳ .

<sup>۱۲۷</sup> . فرزند آقای سید علی قاضی .

<sup>۱۲۸</sup> . دریای عرفان ص ۱۰۴ .





که هیچ مسلمانی به هیچ وجه به آن رضایت نمی‌دهد. برخی از کلماتش مزخرف<sup>۱۲۹</sup> و مخبطه<sup>۱۳۰</sup> است که موجب تشویش قلوب و دهشت عقول و حیرت أذهان می‌باشد... و شاید چه بسا به خاطر شدت ریاضت و گرسنگی عقلش مختل و زایل شده است<sup>۱۳۱</sup>.

### ابن عربی سنی متعصب

👉 هیچ کس هم به اندازه محیی‌الدین درباره‌اش متناقض اظهار نظر نشده است. بعضی او را از اولیاء الله و انسان خیلی کامل و قطب اکبر می‌دانند و بعضی او را یک کافر مرتد<sup>۱۳۲</sup>. برخی او را ولی کامل، قطب الأقطاب می‌خوانند و بعضی دیگر تا حد کفر تنزیل می‌دهند، گاهی ممیت‌الدین<sup>۱۳۳</sup> و گاهی ماحی‌الدین‌اش<sup>۱۳۴</sup> می‌خوانند<sup>۱۳۵</sup>.

👉 استاد مطهری: محیی‌الدین عربی، اندلسی است و اندلس جزء سرزمین‌هایی است که اهالی آن نه تنها سنی بودند بلکه نسبت به شیعه عناد داشتند و بویی از ناصبی‌گری در آن‌ها بود. علتش این است که اندلس را ابتدا اموی‌ها فتح کردند و بعد هم خلافت اموی تا سال‌های زیادی در آن جا حکومت می‌کرد. اموی‌ها هم که دشمن اهل بیت بودند و لهذا در میان علمای اهل تسنن علمای ناصبی، اندلسی هستند و شاید در اندلس شیعه

<sup>۱۲۹</sup>. باطلی که حق جلوه داده شده است.

<sup>۱۳۰</sup>. برخاسته از تأثیر گذاشتن شیطان بر روی عقل.

<sup>۱۳۱</sup>. تنزیه المعبود ص ۱۰۴ پاورقی و روح مجرد ص ۴۳۵. بشارات الشیعة ص ۱۵۰.

<sup>۱۳۲</sup>. استاد مطهری، شرح مبسوط منظومه ج ۱ وحدت و کثرت وجود ص ۲۳۸ پاورقی.

<sup>۱۳۳</sup>. ممیت‌الدین: از بین برنده دین.

<sup>۱۳۴</sup>. ماحی‌الدین: محو کننده دین.

<sup>۱۳۵</sup>. کلیات علوم اسلامی ج ۲ عرفان ص ۱۱۸.



نداشته باشیم و اگر داشته باشیم خیلی کم است . محیی‌الدین ، اندلسی است . . . و اصلاً سنی متعصبی است<sup>۱۳۶</sup> .

👉 **قصص العلماء : محیی‌الدین أعرابی** که از ارباب مکاشفه است ، سنی است<sup>۱۳۷</sup> .

👉 **جلال آشتیانی :** ( ابن عربی ) در مذاهب چهارگانه نازل‌ترین را انتخاب فرموده . . . و آن مسلک حنبلی است که مؤسس آن احمد بن حنبل است . . . ابن عربی . . . از ارباب سنت و جماعت است<sup>۱۳۸</sup> .

👉 **سید نعمت الله جزائری** در أنوار نعمانیه فرموده : البته محی‌الدین بدون کلام از اهل سنت است<sup>۱۳۹</sup> .

👉 **علامه سیدمحمدباقر خوانساری :** مقتدای عارفان و الگوی منحرفان و گمراهان . . . ملقب به محیی‌الدین ابن عربی . . . در این کتاب ( فتوحات ) مواضعی است که بر سنی بودن و انحرافش و یا سرگردانی او در راه و روش دلالت دارد و یا شیاطین در مزاج او تصرف نموده‌اند . . . پس این مکاشفات و خواب‌ها ، فقط دلیل بر بی‌دینی و خروج او از جاده شریعت ، و یا قرار گرفتن در زمره اهل سفسطه و گروه دیوانگان می‌باشد . . .<sup>۱۴۰</sup>

👉 **میرزای قمی :** با وجود این که ( ابن عربی ) از مشایخ اهل سنت است ، جماعت صوفیه

<sup>۱۳۶</sup> . امامت و رهبری ص ۲۰۲ و ۲۰۳ . مجموعه آثار ج ۴ ، امامت ، امامت از دیدگاه ائمه اطهار ، نتیجه ص ۹۴۴ .

<sup>۱۳۷</sup> . قصص العلماء ، در حالات شهید ثالث ص ۴۱ .

<sup>۱۳۸</sup> . شرح فصوص قیصری ، مقدمه ص دوازده .

<sup>۱۳۹</sup> . إن محی‌الدین من أهل السنة بلا کلام . کشف الإشتباه ص ۱۲۳ .

<sup>۱۴۰</sup> . روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات ج ۸ باب ما اوله المیم محمد بن علی محی‌الدین عربی ص ۶۰ .



همگی معتقد او هستند حتی جماعت صوفیه که از شیعیان می‌باشند و بعضی از علمای متصوفه شیعیان او را شیعه می‌دانند به مجرد بعضی کلماتی که دلالتی بر تشیع او ندارد.<sup>۱۴۱</sup>

👉 علامه سید عبدالله شبّر نیز ، ابن عربی را سنی معرفی می‌کند.<sup>۱۴۲</sup>

### میرزا حسین نوری رحمته ۱۴۳

البته در بین علمای عامّه ( سنی‌ها ) و ناصبی‌های آن‌ها از لحاظ عداوت و دشمنی شدیدتر از ابن عربی نیست .

مگراو . . . ( مواردی از انحرافات ابن عربی را ذکر می‌نمایند ) و غیر از این موارد از عباراتی که نصّ و تصریح می‌باشد بر این که ابن عربی از ناصبی‌های عامّه ( سنی‌ها ) است . . .<sup>۱۴۴</sup>

### اعتراف آقای جلال آشتیانی

شیخ اعظم . . . خصم ألدّ<sup>۱۴۵</sup> شیعه امامیه است !!! . . . شیخ اعظم به طور کلی با شیعه

<sup>۱۴۱</sup> . سه رساله در نقد عرفان ص ۲۰۳ .

<sup>۱۴۲</sup> . . . و ذهب إليه محیی الدین العربی من العامة . حق الیقین جزء دوم اواخر فصل ۹ ص ۱۰۸

<sup>۱۴۳</sup> . شیخ جلیل ثقة الاسلام حاج میرزا حسین نوری طبرسی رحمته مؤلف مستدرک الوسائل ، استاد حاج شیخ عباس قمی رحمته ، در

جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۰ ق وفات نمود و در جوار امیرالمؤمنین علیه السلام در صحن شریف به خاک سپرده شد .

<sup>۱۴۴</sup> . . . مع أنه لم یر فی علماء العامة و نواصبهم أشدّ نصباً منه . . . و غیر ذلك ممّا هو نصّ علی كونه من نواصبهم و . . .

سفینة البحار ج ۲ ص ۳۵۸ و ۳۵۹ باب الحاء بعده المیم المولی صدرا محمد بن ابراهیم الشیرازی

<sup>۱۴۵</sup> . خصم ألدّ: دشمن ترین دشمنان . ألدّ: دشمن کینه توز ، دشمن سرسخت و لجوج .



خصوصاً فرقه امامیه عظم الله شأنهم سر سازش ندارد . او گویا مطلقاً آثار ائمه شیعه را ندیده است . . . شیخ اعظم . . . اقوالی را مستند به شیعه و به قول او خصوصاً الإمامیه من الشیعه<sup>۱۴۶</sup> دانسته که کذب<sup>۱۴۷</sup> محض است و شیخ آنها را واقعی پنداشته . . . عجب آن که به نقل تهمت . . . پرداخته است به خیال آن که لابد همه محققان از تابعان اهل بیت علیهم السلام مسخر<sup>۱۴۸</sup> شیطانند .

شیخ در یکی از مجلدات فتوحات . . . بعد از ذکر اقسام خواطر<sup>۱۴۹</sup> و تقسیم شیاطین . . . پرداخته است به ذکر مطاعن<sup>۱۵۰</sup> شیعه ، خصوصاً امامیه من الشیعه و گفته است : . . . شیاطین جنّ بر شیعیان در ابتدا محبت اهل بیت را القاء می نمایند ، تا این که تمام محبت خود را فقط ویژه اهل بیت قرار دهند و آن را از برترین اسباب قرب به خدا می بینند . و مطلب همچنین است اگر بر این مطلب توقّف نموده و چیزی بر آن نیفزایند . لکن شیعیان به محبت اهل بیت اکتفا نکرده و به دو راه دیگر روی آورده اند . برخی از آنان به دشمنی با اصحاب<sup>۱۵۱</sup> پیامبر پرداخته و به آنان ناسزا می گویند زیرا صحابه ، اهل بیت را بر خود مقدم نکردند ، و شیعیان خیال می کنند که اهل بیت به این مناصب دنیوی سزاوارتر

<sup>۱۴۶</sup> . الامامیة من الشیعة : شیعه دوازده امامی .

<sup>۱۴۷</sup> . کذب : دروغ

<sup>۱۴۸</sup> . مسخر شیطانند یعنی شیطان بر آنان مسلط شده است و آنان رام و مطیع شیطان گشته اند .

<sup>۱۴۹</sup> . خاطرة جمع خواطر : مطلب یا معنا یا نظریه ای که به ذهن خطور کند . الهاماتی که به قلب وارد می شود .

<sup>۱۵۰</sup> . مطاعن : مطعن جمع مطاعن عیب و عار و ننگ ، ملامت و سرزنش .

<sup>۱۵۱</sup> . مراد خلفای سه گانه و مریدان آنان می باشند .



هستند . . . و گروهی از شیعیان علاوه بر ناسزا گویی به صحابه ، از پیامبر و جبرئیل و خداوند جل جلاله ایراد می گیرند به خاطر این که خدا و رسول و جبرئیل بر مرتبه اهل بیت و مقدم بودن اهل بیت در خلافت بر مردم تصریح نکرده اند تا آن جا که بعضی از شیعیان چنین سروده اند که خداوندی که پیامبر امین را مبعوث نمود امین نبود !

از هیچ دیوانه ای چنین کلامی شنیده نشده است <sup>۱۵۲</sup> . یکی از احتمالات آن است که دشمنان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام . . . آن چه که شیخ اعظم بدون تحقیق از امور مسلمانه دانسته است جعل کرده اند . در زمان شیخ ، اَعْلَى اللَّهِ قَدْرَهُ ، بسیاری از افاضل شیعه در سوریه و خصوصاً در حلب توطن <sup>۱۵۳</sup> داشتند ، از علمای بزرگ شیعه و متکلمان این فرقه در نواحی نزدیک به سر می بردند و شایسته بود شیخ بزرگوار به آنها مراجعه می کرد . نسبت دادن کلامی به آن سستی به شیعه به نحو اطلاق <sup>۱۵۴</sup> حاکی از ساده لوحی و زودباوری است . . .

شیخ اعظم در مقام نقل حدیث ، جمله فی الحدیث الصحیح <sup>۱۵۵</sup> المنقول عن ابی هریره عن النبی ص را ورد زبان خود قرار داده است ، در حالی که ابوهریره چندان شهرت در نقل حدیث ضعیف دارد که علمای مصر او را بازرگان حدیث نام داده اند . ابوهریره را عمر

<sup>۱۵۲</sup> . مخفی نماند که آن چه این احمق به شیعه نسبت داده که ایشان قدح در رسول و جبرئیل و خدا کرده اند ، محض کذب و افترا است و

کسی این نسبت را به ایشان نداده ، و اما بغض صحابه و سبّ ایشان . . .

تحفة الأخیار ص ۳۲۲

<sup>۱۵۳</sup> . توطن داشتند : ساکن بودند .

<sup>۱۵۴</sup> . به نحو اطلاق : به صورت کلی و عام .

<sup>۱۵۵</sup> . ابوهریره در حدیث صحیح از پیامبر نقل می کند .



یهودی زاده می دانست . . . ۱۵۶

☑ آری مرحوم جلال آشتیانی اقرار و اعتراف می نماید که ابن عربی دشمن ترین دشمنان شیعه امامیه بوده و فردی زودباور و ساده لوح است و در کتبش از مطالب ضعیف و سست و دور از تحقیق و بلکه دروغ به عنوان حدیث صحیح نقل می نماید و شیعیان امامیه را پیروان شیطان معرفی می کند . . .

☑ چه قدر عجیب است با وجود این همه اعترافات ، ایشان از ابن عربی با کلماتی مانند :  
أعلى الله قدره ، شیخ اعظم ، شیخ اکبر ، شیخ بزرگوار ، تعریف و تمجید می نماید !  
آیا دشمنی با شیعه ، دشمنی با اهل بیت علیهم السلام نیست ؟ این است رسم و شیوه دوستی با  
دوستان اهل بیت علیهم السلام و دشمنی با دشمنان آنان که در روایات فراوان<sup>۱۵۷</sup> به آن تأکید شده  
است ؟ !

### نمک خوردن ، نمکدان شکستن ؟ !

عجیب تر از آن ، دفاع آقای جلال آشتیانی از مکتب شیطان ( تصوف و عرفان ) می باشد :  
او در شرح مقدمه قیصری چنین می نویسد :

<sup>۱۵۶</sup> . شرح فصوص الحکم ، مقدمه ص ۴۳ تا ۴۷ .

<sup>۱۵۷</sup> . از باب نمونه :

عن الرضا علیه السلام قال : شیعتنا المسلمون لأمرنا ، الأخذون بقولنا ، المخالفون لأعدائنا ، فمن لم یکن کذلک فلیس منا .

وسائل الشیعة ج ۱۸ کتاب القضاء باب ۹ ص ۸۳ ح ۲۵

عن أبی عبدالله علیه السلام قال : . . . أن من وافقنا خالف عدونا ، و من وافق عدونا فی قول أو عمل فلیس منا و لا نحن منهم .

وسائل الشیعة ج ۱۸ کتاب القضاء باب ۹ ص ۸۵ ح ۳۳



بدون شک ، طریقه متصوّفه و اهل کشف . . . ترجیح بر طریقه اهل نظر<sup>۱۵۸</sup> دارد ، لذا کلمات عرفا در اسرار راجعه به مبدأ و معاد<sup>۱۵۹</sup> ، دلپذیرتر از مبانی کلمات حکماء<sup>۱۶۰</sup> و طریقه انبیاء عظام و ائمه کرام است<sup>۱۶۱</sup> !

شیخ الإسلام مولی طاهر قمی رحمته الله : هر که لاف دوستی حضرت مرتضی علیه السلام زند و با این حال با دشمنانش دشمن نباشد ، در دعوی خود کاذب خواهد بود . و اگر کسی خواهد که دوستی ایشان را با دوستی دشمنان ایشان جمع نماید ، از بابت کسی است که خواهد ظلمت را با نور جمع نماید<sup>۱۶۲</sup> .

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ<sup>۱۶۳</sup> .

### عمیق ترین ضلالت‌ها

آیت الله عزالدین زنجانی : خلاصه این فخر رازی و آن محی الدین عربی ، آن‌هم غزالی و

<sup>۱۵۸</sup> . فلاسفه و حکماء .

<sup>۱۵۹</sup> . اسرار مربوط به توحید پروردگار و معاد و قیامت .

<sup>۱۶۰</sup> . فلاسفه .

<sup>۱۶۱</sup> . شرح مقدمه قیصری ص ۷۴ .

<sup>۱۶۲</sup> . سفینة النجاة باب ۴ ص ۴۹ و ۵۰ .

<sup>۱۶۳</sup> . مجادله ۲۲ .



همچنین مولوی و امثال او به قدری گمراهند که ضلالتشان از عمیق‌ترین ضلالت‌هاست . این‌ها که هم در علم و هم در ریاضت تلاش کرده‌اند ، گاهی هذیان‌های عجیبی می‌گویند و تعریف‌های فراوانی از دشمنان خدا مانند طلحه ، زبیر و معاویه می‌کنند<sup>۱۶۴</sup> .

### آیت الله سیستانی

س : با توجه به مطالب منسوب به حضرت عالی در بعضی از سایت‌ها مبنی بر تأیید عرفان صاحب فصوصی تقاضا می‌شود نظر شریف را در این رابطه اعلام فرمایید .  
ج : این جانب در ارتباط با معارف اعتقادی به روش اکابر علمای امامیه قدس الله اسرارهم که مطابق با آیات قرآن مجید و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌باشد معتقد بوده و روش فوق‌الذکر را تأیید نمی‌نمایم<sup>۱۶۵</sup> .

### آیت الله صافی گلپایگانی

س : نظر خود را در مورد کسانی که به اصطلاح در زمره عرفا از آن‌ها یاد شده ( صوفیانی چون : محی‌الدین عربی ، بایزید بسطامی ، حسین بن منصور حلاج و جلال‌الدین محمد بلخی مولوی ) به صورت مبسوط و مکفی بیان فرمایید .  
ج : با تقدیر از توجه و آگاهی شما . همان‌طور که مرقوم داشته‌اید این افراد ( که به اصطلاح ، عارف نامیده می‌شوند ) اکثراً دارای انحرافات فکری و عقیدتی و روش‌های خرافی می‌باشند و سخنانی دارند که با نصوص قرآن مجید و احادیث شریفه مخالفت دارد .

<sup>۱۶۴</sup> . تفسیر سوره مبارکه حمد ذیل آیه اهدنا الصراط المستقیم ص ۱۳۹ .

<sup>۱۶۵</sup> . استفتاء خصوصی کتبی .





این افرادی را که نام برده‌اید طریقه متشرّعه و ملتزمین به احکام و آداب شریعت را نداشته‌اند. اگر هم برخی، آن‌ها را از عقاید فاسده تبرئه نمایند، برای شخص مسلمان، آراء و عقایدشان حجت نیست...<sup>۱۶۶</sup>

س: نظر مبارکتان پیرامون محی‌الدین عربی که از زمره عرفاء است و کتب او همچون فصوص، فتوحات... چیست؟ بعضی از طلاب می‌گویند کتاب‌های این عارف مورد اعتماد نیست و مطالب خلاف شرع در آن است، وارد مطالعه این سلک کتاب‌ها نشوید که دچار انحراف عقیدتی می‌گردید و عده‌ای در مقابل می‌گویند: مطالعه کتب این عارف اشکال ندارد و علاقه‌مند به مطالعه در این زمینه هستند. ما را هدایت فرمائید.

ج: خدمت حضرت آیت الله آقای مروارید دامت برکاته<sup>۱۶۷</sup> یا جناب مستطاب حجت الاسلام و المسلمین آقای سیدان دامت تأییداته مراجعه نمایید و به کتابی که اخیراً مرحوم حجت الاسلام آقای الهامی رحمته در این موضوع نوشته‌اند<sup>۱۶۸</sup> نیز مراجعه نمایید خداوند تأیید فرماید<sup>۱۶۹</sup>.

<sup>۱۶۶</sup>. معارف دین ج ۱ ص ۳۵۵.

<sup>۱۶۷</sup>. آیت الله میرزا حسنعلی مروارید رحمته مؤلف کتاب تنبیهاات حول المبدأ و المعاد، از علمای معروف مشهد مقدس.

س: نظر حضرتعالی راجع به کتاب‌های تنبیهاات حول المبدأ و المعاد از مرحوم آیت الله مروارید رحمته، عارف و صوفی چه می‌گویند و میزان‌المطالب اثر مرحوم آیت الله حاج میرزا جواد آقا تهرانی رحمته و بیان الفرقان علامه فقید مرحوم آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی رحمته از حیث إتقان و اعتبار و صحت و علمیت چیست؟ و تا چه اندازه‌ای آن‌ها را تأیید می‌نمایید؟

ج: کتاب‌های مرحوم عالمان بزرگوار حاج میرزا جواد آقا تهرانی و جناب آقای مروارید و حاج شیخ مجتبی قزوینی کتاب‌های خوبی است.

آیت الله مکارم شیرازی، استفتاء خصوصی کتبی

<sup>۱۶۸</sup>. داوری‌های متضاد درباره ابن عربی.

<sup>۱۶۹</sup>. استفتاء خصوصی کتبی.



## فصوص و فتوحات

س : نظر مبارکتان پیرامون محیی‌الدین عربی که از زمره عرفاء است و کتب او همچون فصوص ، فتوحات . . . چیست ؟

ج : متأسفانه کتاب‌های او دارای بعضی مطالب خلاف واقع است و به هیچ وجه مطالعه آن را توصیه نمی‌کنیم و اگر بعضی از بزرگان از او تمجیدی کرده‌اند ، فقط در چیزهای خاصی بوده است <sup>۱۷۰</sup>.

س : نظر مبارک حضرت‌عالی راجع کتاب‌های فصوص الحکم و فتوحات مکّیه تصنیف محی‌الدین بن عربی چیست ؟ ( چه درس گرفتن ، چه تدریس و چه مطالعه آن‌ها ) خواهشمند است ما را راهنمایی فرمایید .

ج : محور درس و تدریس باید قرآن مجید و تفسیر آن ، نهج البلاغه و شرح آن ، صحیفه سجادیه و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام باشد ، تا انسان کسب معنویّت و نورانیّت ، موفقیت و هدایت نماید إن شاء الله تعالی <sup>۱۷۱</sup>.

## علامه شیخ حر عاملی رحمته‌الله

☞ علامه شیخ حر عاملی رحمته‌الله در کتاب اثنی عشریه دوازده اثر نادرست از ابن عربی بیان نموده و حالت او را از بقیّه رؤسای صوفیه قبیح‌تر می‌دانند <sup>۱۷۲</sup>.

<sup>۱۷۰</sup> . آیت الله مکارم شیرازی ، استفتاء خصوصی کتبی .

<sup>۱۷۱</sup> . آیت الله شیرازی ، استفتاء خصوصی کتبی .

<sup>۱۷۲</sup> . اثنی عشریه شیخ حر عاملی فصل الثالث ص ۱۶۹ تا ۱۷۱ .



## علامه میرزا حبیب الله خویی رحمته الله

☞ به آن چه برای تو تلاوت می شود از قطب قطب های صوفیه ، زندیق لعین ، ابن عربی محی الدین در فصوص و کلام قیصری در شرح عبارات او گوش کن . . .<sup>۱۷۳</sup> این نتیجه کلام این دو رجس نجس نحس می باشد . . .<sup>۱۷۴</sup>

## ابن عربی ، فصوص و فتوحات

☞ علامه مولی محمد طاهر قمی رحمته الله<sup>۱۷۵</sup> می فرماید : محیی الدین عربی که از زندیقان عصر خود بوده . . . سبب این که مردم او را کافر و ملحد می خواندند و لعنتش می کردند

<sup>۱۷۳</sup> . و عبارت های ابن عربی و قیصری را نقل می نمایند .

<sup>۱۷۴</sup> . فاستمع لما یتلی علیک من کلام قطب اقطابهم الزندیق اللعین ابن العربی محیی الدین فی الفصوص و من کلام القیصری فی شرحه . . .

هذا محصل کلام هذین الرجسین النجسین النحسین . . . منهاج البراعة شرح نهج البلاغه ج ۱۳ ص ۱۷۲ تا ۱۷۷

<sup>۱۷۵</sup> . محمد طاهر فرزند محمد بن حسین در سال ۱۰۹۸ هـ . ق در شهر مقدس قم بدرود حیات گفته و در قبرستان شیخان قم در بقعه جناب زکریا بن آدم مدفون است . تعبیرات مرحوم محقق اردبیلی که معاصر وی بوده درباره او بسیار مهم و شایان توجه است و حکایت از این دارد که آن مرحوم در عصر خود ، شخصیت ممتاز و والائی داشته است . مرحوم شیخ حرّ عاملی در کتاب امل الامل نوشته است که : وی از اعیان فضلا معاصرین و مردی عالم و محقق و مدقق و بسیار ثقة و فقیه و متکلم و محدث جلیل القدر و عظیم الشأن است . مؤلف ریحانة الادب می نویسد : ملا محمد طاهر از مشاهیر علمای امامیه عهد شاه سلیمان صفوی و از مشایخ اجازه شیخ حرّ عاملی و ملّا محمد باقر مجلسی و از وجوه و اعیان علمای عهد خود می باشد . . . با فلسفه و تصوف سخت مخالف بود و با تمام وجود با آن مبارزه می کرد ، و این دو را برای تشییع خطر بزرگی می دانست و به خاطر همین مبارزاتش بود که شاه سلیمان صفوی فرمان قتل او را صادر کرد ولی او به طریق معجز آسا از این مهلکه جان سالم بدر برد . . . در سفری که به اصفهان نموده علامه مجلسی صاحب بحار الانوار از وی در سال ۱۰۸۶ هـ . ق اجازه نقل حدیث گرفته ، که در کتاب اجازات بحار آن را ذکر کرده است . . . تألیفات زیادی از خود به یادگار گذاشته است که کتاب الفوائد الدینیّه فی الردّ علی الحکماء و الصوفیه و کتاب حکمة العارفین فی ردّ شبهة المخالفین من المتصوّقین و المتفلسفین از آن جمله است . تحفة الاخیار به فارسی در دو جلد است جلد اول آن در ردّ عقاید صوفیه است که چاپ شده و جلد دوم آن در عقاید فلاسفه است که هنوز چاپ نشده است . . . برگرفته از تحفة الاخیار ص ۹۳ تا ۱۰۴



این بود که : کلمات کفر و الحاد او بسیار بود ، و جماعتی از اهل مذهبش فتواها بر کفرش نوشتند و کتاب فتوحات و فصوص دو کتابند مشتمل بر کفر و الحاد بسیار<sup>۱۷۶</sup> .  
چند عبارت دیگر از شیخ الإسلام مولی محمد طاهر قمی رحمته<sup>۱۷۷</sup> .

## و علما و فقهای دیگر

☞ علامه آقا سید محمد علی بهبهانی رحمته<sup>۱۷۸</sup> .

☞ علامه میرزا محمد باقر خوانساری رحمته<sup>۱۷۹</sup> .

<sup>۱۷۶</sup> . تحفة الأخیار ص ۲۶۴ و ۲۶۵ .

<sup>۱۷۷</sup> . ☞ شمه‌ای از کلمات محیی‌الدین که بعضی از بی وقوفان و کم توفیقان شیعه ، فریفته او شده‌اند و ظاهراً این بنا بر آن است که بر کلمات کفر او اطّاع نیافته‌اند و الّا چه معنی دارد که مؤمن بر کلمات کفر او مطلع شود ، و در کفر او شک نماید . در کتاب فصوص گفته ... ( ده مورد از انحرافات ابن عربی را نقل می‌نمایند ) و شک نیست که کلمات کفر مذکوره ، هر کدام دلیل واضح است بر کفر محیی‌الدین و بی شبهه هر که صاحب این کلمات را کافر نداند کافر و بی‌دین و خارج از دایره یقین خواهد بود ...

تحفة الأخیار ، ۳۱۶ تا ۳۱۹

☞ شک نیست که فصوص‌الحکم از کتب الحاد است و محیی‌الدین از جمله زنادقه است . تحفة الأخیار ص ۲۸۳

☞ ... جماعتی را قطب شمرده ، و از جمله ایشان ابوبکر است و عمر و عثمان و معاویه پسر یزید و عمر بن عبدالعزیز و متوکل . ای عزیزان ، ببینید که این مرد ( ابن عربی ) ، چه کسانی را قطب شمرده ! و اهل بیت رسول الله را وا گذاشته ؟ ! بدا حال دوستان و معتقدان و پیروان وی ...  
تحفة الأخیار ص ۳۲۰ و ۳۲۱

<sup>۱۷۸</sup> . و اما متأخرین صوفیه ، مثل محیی‌الدین و تابعانش ، که أنا الحق و أنا الله گفته‌اند ، بنا بر اعتقاد به وحدت وجود بود ، که حق تعالی را وجود مطلق و عین همه اشیاء دانند ، هر که أنا الحق گوید ، هر چند که فرعون یا جاهلی باشد ، صادقش دانند ، بلکه ذکر و تسبیح ذرات عالم را أنا الحق می‌دانند ، و همه چیز را حتی سگ و خوک و ... را خدا می‌دانند ... بلکه به زعم این طایفه ، بت پرستان تمام خدا پرستانند ، چنان‌که در گلشن گفته : مسلمان گر بدانستی که بت چیست بدانستی که دین در بت پرستی است و گذشت که محیی‌الدین گفته که الله تعالی نصرت نداد هارون را بر گوساله پرستان ، زیرا که می‌خواست در همه صورت‌ها پرستیده شود . و شک نیست که صاحبان این عقیده زندیقانند ، و بدتر از مشرکانند . خیراتیه ج ۲ ص ۹۳ و ۹۴

<sup>۱۷۹</sup> . و حسب الدلالة علی کونه ( ابن عربی ) من جملة الصوفية الغير الصافية ، أخذه فی جملة مصنفاته من کلّ قریب و بعيد ، و نقله من



☞ علامه مجلسی رحمته ۱۸۰.

☞ میرزای قمی رحمته ۱۸۱.

## اما شیخ بهایی رحمته

☞ عجب مدار از این که شیخ بهایی زید بهائیه در کتاب کشکول و اربعین و غیر آنها

کلّ قدیم و جدید ، سوی اهل بیت العصمة و الطهارة و خزنة العلم و الحکمة مثل شیخهم الغزالیّ و الشیخ محی الدین الآخر عبد القادر الجیلانی و مجد الدین البغدادی و أقرانهم المجذّین فی اثبات ولاية الجهلة بآداب الدین و حملة أوزار السّفلة و المشعبدين ، و لذا سّماه بعض مشایخ عرفائنا المتأخرین بممیت الدین و عبّر عنه مولانا الوالد المرحوم المحترم . . . بلقب أحسن من ذلك اللّقب هو ماحی الدین . . . و بنا به مفهوم عباراتی که ذکر شد محیی الدین عربی صوفی ناسالم و منحرف است ، در کتاب‌های خود به جز اهل بیت عصمت و طهارت و خزانه‌های علم و حکمت ، از هر دور و نزدیکی عبارت آورده و از هر شخص قدیمی و جدید ( مانند شیخشان غزالی و مجدالدین بغدادی و عبدالقادر گیلانی و آنان که مانند اینانند ) مطلب نقل نموده است . کسانی که اصرار و جدیت دارند بر این که ولایت و سرپرستی مردم را برای افرادی تثبیت نمایند که جاهل به آداب دین و حمل‌کننده وزر و بدی‌های فرومایگان و شعبده‌بازان می‌باشند . و به این جهت یکی از بزرگان عرفاء متأخرین ، نام او را ممیت الدین ( قاتل دین ) گذارده . و مولای من مرحوم پدر محترم ، از او به ماحی الدین ( محوکننده دین ) تعبیر نموده که این نام از نام قبیل بهتر است .

روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات ج ۸ باب ما اوله المیم محمد بن علی محی الدین عربی ص ۶۰

۱۸۰ . یا پناه به محی الدین خواهی برد ، که هرزه‌هایش را در اول و آخر این کتاب شنیدی ، و می‌گویند : جمعی از اولیاء الله هستند که رافضیان را به صورت خوک می‌بینند ، و می‌گویند : به معراج که رفتم مرتبه علی علیه السلام را از مرتبه ابوبکر و عثمان پست‌تر دیدم ، و ابوبکر را در عرش دیدم ، چون برگشتم به علی گفتم : چون بود که در دنیا دعوی می‌کردی که من از آنها بهترم الحال دیدم مرتبه تو را که از همه پست‌تری . و او و غیر او از این تزریقات بسیار دارند . . .

۷ و مطالبی نیز در عین الحیات ج ۱ ص ۹۳ تا ۹۵ در این زمینه ذکر نموده‌اند .

۱۸۱ . در بیان حال کسی است که گویند : فرعون ناجی است ، چون توبه کرده است . این سخن از محیی الدین شقیّ ضالّ مظلّ است که سزاوار است که ملقب شود به ممیت الدین و ماحی الدین . و طامّات و هرزه‌ها و گزافات و دعوی‌های باطل او فوق آن است که در دفاتر ثبت شود . و همان قدر در حمق و سفاهت و بی‌شرمی او کافی است که خود را خاتم الاولیاء نامیده و خود را از چندین وجه ترجیح داده بر خاتم انبیاء علیهم السلام ، چنان که از کلام او در فصوص الحکم مستفاد می‌شود . . . و تأویلاتی که در آیات قرآنی می‌کند هر طبع سلیمی از آن نفرت می‌کند . . . آیات قرآنی و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت فوق حدّ تواتر است در افاده این که [ فرعون ] به

کفر مُرد و معذب است در جهنّم . سه رساله در نقد عرفان ص ۱۴۰ ، ۱۴۱ ، ۱۴۴ و ۱۴۵



محبی‌الدین را به تعظیم اسم برده به این عبارات : قال العارف الربانی و الفاضل الذی لیس له ثانی محبی‌الدین‌العربی ، چه شیخ بهایی در کتاب کشکول چند شعری ساخته مشعر بر این که من در نزد هر طایفه در آمده‌ام تا مرا انکار نمایند<sup>۱۸۲</sup>.

### استعمار و ابن عربی

➤ باید مسلمانان را در نادانی نگاه داشت تا به حقیقت دینشان باز نگردند<sup>۱۸۳</sup>.

➤ آن‌ها (مسلمانان) را می‌توان در یک حالت نا آگاهی نگاه داشت ، برای این کار باید . . . ، حلقه‌های صوفیه را گسترش داد ، کتاب‌هایی را . . . ترویج نمود ، همچون کتاب إحياء العلوم غزالی ، منظومه‌های مثنوی و کتاب‌های ابن‌عربی<sup>۱۸۴</sup>.

☑ ابوالعلاء عقیفی یکی از مفسرین فصوص‌الحکم است ، استادش در فصوص رینولد نیکلسون انگلیسی است . و با توصیه لویی ماسینیون فرانسوی به مطالعه فتوحات ابن عربی می‌پردازد<sup>۱۸۵ ۱۸۶</sup>.

### ادامه مطلب در حضرت ابوطالب ج ۳

<sup>۱۸۲</sup> . قصص العلماء ص ۵۳ .

<sup>۱۸۳</sup> . دست‌های ناپیدا ، خاطرات مستر همفر جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی ص ۶۰ .

<sup>۱۸۴</sup> . دست‌های ناپیدا ، خاطرات مستر همفر جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی ص ۶۴ .

<sup>۱۸۵</sup> . شرح فصوص قیصری ، مقدمه ص ۲۲ و ۲۳ .

<sup>۱۸۶</sup> . در زمینه استعمار و عرفان ، به عبارت محقق محترم مرحوم داود الهامی در کتاب تحفة الأخیار مقدمه ص ۱۰۸ مراجعه بفرمایید .



## فهرست

۲۳	..... پنهان کاری و کتمان	۱	..... دیدگاه علامه مجلسی <small>رحمته</small>
۲۴	..... علت پنهان کاری	۱	..... دشمنی مغیره لعنه الله
۲۴	..... دیدگاه ملا محسن فیض کاشانی	۲	..... ابن عربی و دشمنی او
۲۵	..... ابن عربی سنی متعصب	۲	..... عبارات ابن عربی درباره ابوطالب <small>رضی الله عنه</small>
۲۷	..... میرزا حسین نوری <small>رحمته</small>	۴	..... بیان یک نکته
۲۷	..... اعتراف آقای جلال آشتیانی	۴	..... تفسیر به رأی ابن عربی
۳۰	..... نمک خوردن ، نمکدان شکستن؟! .....	۵	..... شأن نزول إنک لاتهدی من أحببت
۳۱	..... عمیق ترین ضلالت‌ها	۶	..... دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی
۳۲	..... آیت الله سیستانی	۸	..... اقرار اول
۳۲	..... آیت الله صافی گلپایگانی	۹	..... ابن عربی و نفی غدیر
۳۴	..... فصوص و فتوحات	۱۰	..... اقرار دوم
۳۴	..... علامه شیخ حر عاملی <small>رحمته</small>	۱۱	..... مبشره‌ای شیطانی
۳۵	..... علامه میرزا حبیب الله خویی <small>رحمته</small>	۱۳	..... تعریف‌های بی اساس و اغراق آمیز
۳۵	..... ابن عربی ، فصوص و فتوحات	۱۳	..... جناب سید علی قاضی و ابن عربی
۳۶	..... و علما و فقهای دیگر	۱۴	..... برخی از اشکالات فتوحات
۳۷	..... اما شیخ بهایی	۲۲	..... آقای حسن زاده آملی و ابن عربی
۳۸	..... استعمار و ابن عربی	۲۳	..... آقای جوادی آملی و ابن عربی

## منابع :

در انتهای ج ۱ حضرت ابوطالب علیه السلام منابع ۱ تا ۱۴ ذکر شده است .

## پیام دین

مدیر مسئول : علی صادقی موحد

صاحب امتیاز : احمد سعید کریمی

طرح جلد : مجید علی پور

موضوع : حضرت ابوطالب ج ۲

تاریخ تألیف : اردیبهشت ماه ۱۳۸۷

آخرین بازبینی : خرداد ۱۳۹۹